

زلال زندگی





بسم الله الرحمن الرحیم

زلال زندگی: سیری در سیره نبوی

نویسنده:

حسین سیدی ساروی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زلال زندگی: سیری در سیره نبوی

مشخصات کتاب

سرشناسه : سیدی ساروی، حسین

عنوان و نام پدیدآور : زلال زندگی: سیری در سیره نبوی/ حسین سیدی ساروی؛ تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: موسسه فرهنگی طه، کتاب طه، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۷۱ ص.

فروست : با پیامبر؛ ۲۰.

شابک : ۸۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۷۰۱۹-۹۰-۴

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری

یادداشت : کتابنامه: ص. [۶۱] - ۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : سیری در سیره نبوی.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- اخلاق

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- فضایل

موضوع : سنت نبوی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۴/۴۶/س۹۲ز۸ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۰۴۹۸۵

ص:۱

اشاره

زلال زندگی: نگاهی به سیره نبوی

کد: با پیامبر؛ ۲۰

نویسنده: حسین سیدی ساروی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ: برهان

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۵

شمارگان: ۱۵۵۰

بها: ۶۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.ir

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰-۰۲۵۱ نمابر: ۲۹۱۵۵۱۰

ص:۲

پیشگفتار

تربیت فرزنـدان، آرامش بخشـی، حفـظ پـاک‌دامنی، نخستین فضـای فراگیری تجربه‌هـا و سـنت و مهارت‌های گوناگون، اولین جایگاه تضـمین سـلامت جسم و روان، پایگاهی برای تبادل انـدیشه‌ها (و در نتیجه رشـد عقلانی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی زن و شوهر و به‌ویژه کودکـان) و... از عوامل اهمیت داشـتن خانواده در تمامی جوامع با فرهنگ‌های متفاوت است.(۱) اهمیت جایگاه خانواده تا بدان‌جاست که غرب پس از ده‌ها سال تجربه تلخ درباره گسـست و بلکه تزلزل خانوادگی، به تعبیر برخی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان آن سامان، بار دیگر, ناگزیرانه در جست‌وجوی احیای خانواده برمی‌آید. در مقدمه کتاب «_به سوی تمدن جدید_» آمده است: از سوی دیگر تافلر معتقد است که یکی از مهم‌ترین پدیده‌های موج سوم، بازگشت دوران اقتدار و احترام و اهمیت خانواده است؛ زیرا در موج دوم (تمدن صنعتی)، نهاد قدرتمند «خانواده» رو به زوال گذاشت و تمام آنچه طی دوران مـوج اول از ویژگی‌هـای خـانواده محسوب می‌شـد، از دسـتش رفت. به این ترتیب که بیمـاران را به جـای پرسـتاری در منزل، روانه بیمارستان‌ها کردند؛ کودکان به مدرسه و مهدکودک رفتند؛ سالخوردگان را به خانه سالمندان فرستادند؛ و زوج‌ها وقت خود را بیشتر در

۱- [۱] . خانواده و فرزندان در دوره پیش دبستان ، ص ۱۴.

میهمانی و رستوران و تفریح‌گاه‌های گوناگون گذراندند. آنچه از خانواده باقی ماند، فقط پیوندهای عاطفی بود که البته می‌توانست به آسانی قابل گسستن باشد.

موج سوم مجدداً خانواده را احیا می‌کند و اختیارات و قدرت‌های گذشته را به خانه و خانواده بازمی‌گرداند. به این ترتیب که بسیاری با استفاده از کامپیوتر و فاکس و تلفن‌های چندکاره و وسایل ارتباطی مدرن به آموزش فرزندان خود در خانه خواهند پرداخت؛ اغلب نیازهای پزشکی ـ حتی جراحی‌های معمولی ـ را می‌توان با بهره‌گیری از کامپیوترهای رابوتیک متصل به مراکز پزشکی در منزل انجام داد و... نتیجه اینکه وقتی بیشتر وقت اعضای خانواده در منزل گذشت، روابط عاطفی نیز استحکام خواهد یافت و اهمیت و اقتدار خانواده به مراتب بیش از آن خواهد شد که در موج دوم وجود داشت یا دارد... (۱)

برای من، به دلایلی که قبلاً گفتم، هیچ‌کدام از آنها کانون اصلی جامعه فردا نخواهد بود، بلکه در واقع این خانه است که مرکز تمدن آینده می‌شود.

به اعتقاد من، خانه در تمدن موج سوم از اهمیت شگفت‌انگیز و تازه‌ای برخوردار خواهد شد. رواج شیوه تولید برای مصرف، گسترش کلبه الکترونیک, ابداع ساختارهای جدید تشکیلاتی در اقتصاد، صنایع خودکار و تولید انبوه‌زدایی شده، همه اینها به بازگشت خانه به‌عنوان واحد مرکزی جامعه فردا اشارت دارند؛ واحدی که وظایف اقتصادی، بهداشتی، تربیتی و اجتماعی آن در آینده افزایش خواهد یافت، نه کاهش».(۲)

ویژگی‌های خانواده را می‌توان چنین برشمرد:

۱- [۱] . الوین تافلر، به سوی تمدن جدید ، صص ۱۲ و ۱۳.

۲- [۲] . الوین تافلر، موج سوم ، ص ۴۹۰.

۱. از دیرباز وظیفه تولید مثل، پرورش کودک، تولید اقتصادی و ... را بر عهده دارد.

۲. افراد متفاوتی با وظایف مشترک و گوناگون در آن حضور دارند.

۳. در این سازمان، منافع مشترکی دنبال می‌شود.

۴. حقوق متقابلی میان افراد یا اعضا موجود است.

۵. تماس مستمر و رویارویی میان اعضا وجود دارد.

۶. روابط منظم و مشخص میان اعضا برقرار می‌گردد و این روابط غالباً صمیمی و همه جانبه است.(۱)

تعریف مدیریت و اهمیت مدیریت در خانواده، جایگاه زن و مرد در مدیریت خانواده، روحیه و راه‌های تقویت آن در خانواده، مفهوم تعادل و عدم تعادل در خانواده، بهداشت روانی خانواده، آسیب‌شناسی خانواده و... ده‌ها و صدها موضوع دیگر را می‌توان در مبحث خانواده مطرح کرد. این کتاب، تنها نگاهی دارد به رفتار مستقیم و غیرمستقیم پیامبر مهربانی در جنبه‌های گوناگون زندگی به ویژه تشویق به تشکیل خانواده، اهمیت همسر شایسته، عوامل تحکیم و تزلزل کانون خانواده، و... در یک جمله مباحثی که در چند سطر پیش از آنها صحبت شده است. اینک بر پژوهشگران است تا زوایای پنهان دیگر را از دیدگاه ایشان و سیزده کاروانسالاران بشریت بازگو کنند.

۱- [۱] . خانواده و فرزندان در دوره پیش دبستان ، ص ۱۳.

فصل اول: سیره فردی

سکونت گاه

خانه کوچک و همسایه های بد را نامبارک می دانست.(۱)

خوش نمی داشت وارد اتاق تاریک شود(۲) و روشن کردن چراغ پیش از تاریک شدن هوا را مستحب می‌شمرد.(۳) دستور داده بود قبل از خواب، درها را ببندند و چراغ و آتش را خاموش کنند. علّت این کار را نیز پیش گیری از آتش سوزی اعلام کرد.(۴)

عایشه می گوید: «پیامبر به ما فرمان داده بود تا در خانه ها، جایگاه نمازی بسازیم و آن را پاکیزه و خوش‌بو کنیم».(۵)

با فروش خانه و صَرف پول آن در کار دیگر مخالف بود و می فرمود: «کسی که خانه ای بفروشد و با پول آن، خانه دیگری نخرد، برکت نیابد».(۶)

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۹۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۹؛ معانی الاخبار، ص ۱۵۲.

۲- [۲] . اصول کافی ، ج ۶، ص ۵۳۴؛ سنن النبی، ص ۱۸۹.

۳- [۳] . وسائل الشیعه، (چ اسلامیه), ج ۳، ص ۵۷۳.

۴- [۴] . همان، ج ۳، ص ۵۷۶.

۵- [۵] . سیدنا ، ص ۳۹.

۶- [۶] . الإحاد والمثانی، ج ۲، ص ۳۴؛ سنن کبری (بیهقی)، ج ۶۱، ص ۳۴ ؛ عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۱۱۱.

همچنین می فرمود: «هرگاه یکی از شما وارد خانه اش شود، سلام کند؛ چون این کار، برکت را فرود می آورد و فرشتگان با وی الفت می گیرند».(۱)

در خانه

در خانه اش، خجول تر از دوشیزگان بود؛ از اهل خانه نه غذایی می طلبید و نه علاقه اش به خوردنی ها را بیان می کرد. اگر غذایش می دادند، می خورد. آنچه می دادند، می پذیرفت و آنچه نوشیدنی می دادند، می نوشید. چه بسا خود برای خوردن و نوشیدن برمی خاست.(۲)

در خدمت کارهای خانه بود و در تکه تکه کردن گوشت با اهل خانه همکاری می کرد.(۳) بیشتر دوخت و دوز می کرد.(۴)

چون به خانه می آمد، وقت خود را به سه قسمت تقسیم می کرد: بخشی برای خدا؛ بخشی برای خانواده و بخشی برای خود. آن ساعت را که به خود اختصاص داده بود، بین خود و مردم تقسیم می کرد. ابتدا خواص را به حضور

۱- [۱] . وسائل الشیعه، (چ اسلامیه)، ج ۵، ص ۳۱۹.
۲- [۲] . سنن النبی، ص ۱۷۳.
۳- [۳] . بحارالانوار ، ج ۱۶، ص ۲۲۷؛ تحفه الاحوذی، ج ۷، ص ۱۶۱؛ سنن ترمذی، ج ۴، ص ۶۶؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۴۹.
۴- [۴] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۸۷.

می پذیرفت و بعد هم با عموم ملاقات داشت. در نتیجه، آن ساعت هم که خاص خود آن بزرگوار بود، در اختیار یاران و اصحابش قرار می گرفت.(۱)

درِ خانه را خود باز می کرد. گوسفندان را نیز می دوشید.(۲) به خانواده اش غذای خوب می داد.(۳)

آداب خوردن

عایشه می گوید:«شکم پیامبر هرگز سیر نشد.» منظور عایشه، «آکندن شکم از غذاست» به گونه مردمان عادی بر سر سفره های رنگین؛ تا به حلقوم خوردنی که معده را سنگین می کند، بدن را می فرساید، بی حالی و خواب آلودگی و تنبلی می آورد، حال نیایش را از آدمی می رباید و... . (۴)

چون گوشت می خورد، سرش را به زیر نمی افکند. گوشت را بالا می آورد و با دندانش از استخوان جدا می کرد.(۵) از هر دو دست در هنگام خوردن کمک می گرفت.(۶)

روزی با دست راست خرما می خورد و هسته ها را در دست چپ نگه می داشت. گوسفندی در آن نزدیکی بود. حضرت، هسته ها را پیش گوسفند

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۰؛ حلیه الابرار، ج ۱، ص ۱۷۴؛ عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲- [۲] . ثواب الاعمال، ص ۷۹؛ حلیه الابرار، ج ۱، ص ۲۸۶؛ اصول کافی، ج ۴، ص ۹۰؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۱.

۳- [۳] . سنن النبی، ص ۱۷۸.

۴- [۴] . المواهب اللدنیه, ج ۲, ص ۱۱۸.

۵- [۵] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۵.

۶- [۶] . مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۷.

گرفت. آن‌گاه خود، با دست راست، خرما می خورد و گوسفند از هسته های دست چپ وی می خورد. خرماها تمام شد و گوسفند رفت.(۱)

می فرمود: «هنگام خوردن، کفش هایتان را بکنید که مایه آسایش پای شماست».(۲)

چون با دست می خورد، از سه انگشتش استفاده می کرد و این خود سبب می شد تا لقمه ها کوچک باشند و به خوبی جویده شوند و از سوی دیگر پرخوری نیز رخ نمی داد.

دعوت از خویشان، نیکان و بینوایان را تشویق می فرمود.

پیش از خوردن، دستش را می شست یا وضو می گرفت و می فرمود: «خجستگی و برکت غذا، در وضوی پیش و پس از خوردن غذاست».(۳)

برای دوری از گردن فرازی، روی زمین می نشست و غذا می خورد. هنگام خوردن، به چیزی تکیه نمی زد و می فرمود: «تکیه داده غذا نمی خورم».

اگر به هر دلیلی نمی خواست غذایی را بخورد، از آن عیب جویی نمی کرد.

حتی الامکان تنها غذا نمی خورد و می فرمود: «برای خوردن دور هم جمع شوید. خجستگی و برکت در این کار است».

خوردن را با نام آفریدگار آغاز می کرد و با ستایش او به پایان می برد.

هیچ‌گاه دیده نشد [آن‌قدر بخورد که] آروغ بزند.(۴)

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴.
۲- [۲] . جامع الصغیر، ج ۱، ص ۷۶؛ سنن النبی، ص ۱۸۱.
۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۳۵۷؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۲۱؛ محاسن، ج ۲، ص ۴۲۵.
۴- [۴] . ثواب الاعمال، ص ۷۹؛ اصول کافی، ج ۴، ص ۹۰؛ حلیه الابرار, ج ۱, ص ۲۸۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۱ .

هنگام خوردن غذا، از آن قسمت غذا که جلو خودش بود، می خورد،(۱) ولی وقتی خرما می خورد، آن را از جاهای مختلف ظرف برمی داشت.(۲)

خوردنی ها و نوشیدنی ها را فوت نمی کرد.(۳)

می فرمود: «ما گروهی هستیم که تا گرسنه نشویم، نمی خوریم و چون می خوریم، [کاملاً] سیر نمی شویم [، بلکه چند لقمه پیش از سیر شدن کامل، از خوردن دست می کشیم که برای تندرستی مفید است]».

اگر با دیگران غذا می خورد، اول از همه شروع می کرد [و برای این که دیگران خجالت نکشند]، آخرین کسی بود که از خوردن دست می کشید.(۴)

می فرمود:«دل هایتان را با زیاد خوردن و زیاد نوشیدن نمیرانید؛ دل ها همانند کشتزارانند که هرگاه آب بسیار شود، می میرند».(۵)

دیگران را از نگاه کردن به لقمه دیگران در سر سفره باز می داشت.

شب ها پس از نماز عشا شام میل می کرد و می فرمود:«شام خوردن را ترک نکنید؛ زیرا ترک آن سبب خرابی[= بیماری] بدن می شود».(۶)

محبوب ترین غذا برایش غذایی بود که افراد بسیاری بر سر سفره بنشینند.(۷)

۱- [۱] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۱۱؛ کنزالعمال، ج ۷، ص ۱۰۳.
۲- [۲] . همان.
۳- [۳] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۶۵.
۴- [۴] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷؛ سنن النبی، ص ۱۲۰؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۶۱.
۵- [۵] . بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۱؛ روضه الواعظین، ص ۴۵۷؛ مشکاه الانوار، ص ۱۶۲؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۲۰.
۶- [۶] . سنن النبی، ص ۲۱۷.
۷- [۷] . بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۸۷؛ دلائل الامامه، ص ۱۱.

غـذای داغ نمی خورد و می فرمود: «بی برکت است و آفریـدگار آتش به مـا نمی خورانـد. پس بگذاریـد سـرد شود.» از آنچه برابرش بود، می خورد. بـا سه انگشت می خورد و گـاهی انگشت چهـارم را به کمـک می گرفت. بـا دو انگشت نمی خورد و می گفت: «این نوع خوردن، شیطانی است».

اگر جـایی مهمـان بود، برای صاحب غـذا دعا می کرد و دیگران را نیز تشویق می فرمود تا سـکه سپاس گزاری از دیگران در اجتماع رونق گیرد.

بر ظرف غذا سرپوش می گذاشت و به دیگران نیز می فرمود چنین کنند.(۱)

پس از خوردن، دست هایش را می شـست و زیان های نَشُستن دستی را که با آن غذا خورده اند, یادآوری می کرد:«کسی که با دست چرب بخوابد و آن را نشوید، اگر چیزی [= ناگواری] بدو برسد، تنها خود را نکوهش کند».(۲)

***

در پی شـکار نمی رفت و شـکار نمی کرد، ولی دوست داشت برایش شـکار کننـد و بیاورنـد. حضـرت از گـوشت شـکار می خورد.(۳)

نان و روغن می خورد. از گوشت گوسفند، سردست و کتف را دوست می داشت.(۴)

ص:۱۱

۱- [۱] . سنن أبی داود، ج ۲، ص ۱۹۵؛ صحیح ابن حبان، ج ۴، ص ۸۹؛، صحیح ابن خزیمه، ج ۱، ص ۶۸؛ مواردالضمآن، ص ۳۲۷.

۲- [۲] . سـنن أبی داود، ج ۲، ص ۲۱۸؛ سـنن ترمذی، ج ۳، ص ۱۹۱؛ المسـتدرک، ج ۴، ص ۱۳۷؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۶۳.

۳- [۳] . سنن النبی، ص ۲۲۰.

۴- [۴] . همان.

به کدوتنبل، سرکه و خرمای عُجْوه(۱) علاقه داشت.

در میان سبزی ها، کاسنی، ریحان و سبزی های نرم را دوست داشت.

هفت چیز گوسفند را نمی خورد: نرینه، بیضه ها، بول دان (مثانه)، کیسه صفرا، غده ها، فرج و خون.

عثمان بن عفّان برای پیامبر فالوده ای آورد. حضرت از آن خورد و پرسید: «ای عبدالله! این چیست؟» عثمان گفت: «پدر و مادرم فدایت باد! عسل و روغن را در دیزی سنگی می ریزیم و روی آتش می گذاریم و آن را می جوشانیم. بعد مغز گندم آسیاب شده را با عسل و روغن مخلوط می کنیم تا بپزد. پس همین غذایی می شود که می بینید.» حضرت فرمود: «این غذایی پاکیزه است».

نان جو سبوس دار میل می کرد.(۲)

غذایش بیشتر آب و خرما بود.

گوشت را بیش از هر غذایی دوست می داشت و می فرمود: «گوشت، بر قوه شنوایی می افزاید و سرور غذاهای این جهان و آن جهان است.» و «اگر از خدایم بخواهم هر روز مرا از آن بهره مند کند، انجام خواهد داد».

هماره گوشت با ترید (تلیت) و کدو حلوایی می خورد. به عایشه می فرمود: «ای عایشه! هرگاه دیگ بار می گذارید، کدو در آن بسیار بریزید که دل غمگین را شاد می کند.»(۳)

۱- [۱] .عجوه، خرمای درهم آمیخته و به هم چسبیده یا نوعی خرمای نیکوست.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۷۰؛ صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۰۴.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۲۲۸؛ فیض القدیر، ج ۵، ص ۲۶۳؛ محاسن، ج ۲، ص ۵۲۱.

در کاسه ای معمولی ــ نه چندان کوچک و نه چندان بزرگ ــ غذا میل می کرد.

نان را گرامی می داشت و می فرمود: «با آوردن نان بر سفره، خوردن را آغاز کنید و چشم انتظار غذای مهم تر نباشید.»(۱) و رعایت این نکته و نبریدن و لگد نکردن آن را گرامی داشت نان می دانست.

از خرما و شیر ستایش می کرد و آنها را «دو [خوردنی] پاکیزه» می نامید.(۲)

از پرخوری گوشت، افراد را باز می داشت.(۳)

کباب می خورد.(۴)

پنیر را با چاقو تکه تکه می کرد و میل می فرمود.(۵)

حلوا و عسل را دوست می داشت و می خورد.

غذایی را که سیر داشت، نمی خورد و خود می فرمود به سبب بوی آن نمی خورد و غذا را به دیگران می داد تا بخورند(۶) [؛ زیرا دیگران به اندازه او با مسلمانان و غیرمسلمانان سر و کار نداشتند و مردمان را چندان از بوی سیر نمی آزردند].

هنگام خوردن خرما، دقت می کرد تا کرم زده نباشد.(۷)

ص:۱۳

۱- [۱] . اصول کافی، ج ۶، ص ۳۰۳.
۲- [۲] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۸۰؛ کنزالعمال، ج ۷، ص ۱۰۹؛ المستدرک، ج ۴، ص ۱۰۶.
۳- [۳] . تذکره الموضوعات، ص ۱۴۵؛ کنزالعمال، ج ۱۵، ص ۲۸۲.
۴- [۴] . شرح معانی الاثار، ج ۱، ص ۶۶.
۵- [۵] . سنن أبی داود، ج ۲، ص ۲۱۲.
۶- [۶] . سنن ترمذی، ج ۳، ص ۱۶۹؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۹۵.
۷- [۷] . سنن أبی داود، ج ۲، ص ۲۱۴.

خرما را با خربزه میل می کرد و می فرمود:«گرمای این [خرما] را با خنکای این [خربزه] می شکنیم».(۱)

خامه، سرشیر و خرما را همواره دوست می داشت و می خورد.(۲)

کشمش خیسانده در آب را می خورد و آب کشمش را پیش از تبدیل آن به شراب می نوشید.(۳)

تمامی انواع غذاهای حلال را می خورد.(۴)

گاه انگور را دانه دانه می خورد و گاهی خوشه آن را در دهان می گذاشت.(۵)

می فرمود:«خداوندگارا! نان را برای ما خجسته کن و میان ما و نان جدایی میفکن؛ و اگر نان نبود، نه می توانستیم نماز بخوانیم و نه روزه بگیریم و نه می توانستیم واجب های خدایمان را انجام دهیم».(۶)

خرما را بسیار می ستود و می فرمود:«خاندانی که خرما دارند، گرسنه نمی مانند».(۷)

۱- [۱] . تحفه الاحوذی، ج ۵، ص ۴۶۷؛ سنن أبی داود، ج ۲، ص ۲۱۵؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۴۷۱.
۲- [۲] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۷۴؛ سنن أبی داود، ج ۲، ص ۲۱۵؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۴۵۸؛ کنزالعُمّال، ج ۷، ص ۱۰۹.
۳- [۳] . صحیح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۲۰۴؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۰۲.
۴- [۴] . مسند احمد، ج ۴، ص ۱۰۰.
۵- [۵] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۹.
۶- [۶] . اصول کافی، ج ۵، ص ۷۳؛ محاسن، ج ۲، ص ۵۸۶.
۷- [۷] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۷۵۵؛ سنن دارمی، ج ۲، ص ۱۰۴؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۲۳؛ کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۳۳۹.

می فرمود:«هرگاه زنی فرزند زایید، نخستین چیزی که باید بخورد، خرمای تازه است و اگر در دسترس نبود، خرما[ی غیرتازه]. اگر چیزی برتر از خرما وجود داشت، آفریدگار پس از تولد عیسی آن را به حضرت مریم می خورانید».(۱)

عسل را یکی از دو داروی شفابخش می دانست که خداوند آفریده است. می فرمود: «دارویی برتر از نوشیدن عسل نیست».(۲)

«دین باور، غذایی را که خانواده اش دوست دارند، می خورد و منافق، خانواده اش را مجبور می کند غذایی را که او دوست دارد، بخورند.»(۳)

به گوشت علاقه فراوان داشت و می فرمود:«ما پیامبران خوردن گوشت را بسیار دوست داریم.»(۴)

می فرمود:«جبرئیل بر من فرود آمد و دستور داد هلیم بخورم تا کمرم محکم شود و بر عبادت پروردگارم توانا شوم».(۵)

«کسی که خواهان حفظ [و حافظه ای نیرومند] است، پس باید عسل بخورد.»(۶)

دیگران را به خوردن عدس سفارش می کرد.(۷)

ص:۱۵

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۹۶؛ تذکره الموضوعات، ص ۱۵۲.
۲- [۲] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۹۹؛ کنزالعمال، ج ۱۰، ص ۲۰.
۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۹۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۳۱.
۴- [۴] . مکارم الاخلاق، ج ۱، ص۳۴۴.
۵- [۵] . بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۸۶؛ محاسن، ج ۲، ص ۴۰۴؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۵۳.
۶- [۶] . بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۹۵؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸.
۷- [۷] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۸۴.

گوشت نمک سود خشک شده را گاه خالی و گاهی با نان می خورد.(۱)

باذورج(۲) و سبزی های نرم را دوست می داشت.

به شکم‌بارگان هشدار می داد: «آدمی ظرفی بدتر از شکم، پر نمی کند. برای انسان همین‌قدر غذا کافی است که [نیازهای بدنش را تأمین کند و] بنیه اش را نگه دارد».(۳)

نوشیدن

نوشیدن آب شیرین را دوست می داشت.(۴)

آب را با مکیدن می نوشید و یک‌باره نمی بلعید. در آبی که می خواست بنوشد، نفس نمی کشید، بلکه صورتش را از آن برمی گرداند و نفَس می کشید.(۵)

هم ایستاده می نوشید، هم نشسته، ولی نشسته نوشیدن را برتری می داد.(۶)

آب زمزم را می نوشید.

یارانش را سیراب می کرد. و وقتی به او می گفتند: «شما بنوشید» می فرمود: «ساقی باید آخرین نفر باشد».

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۵؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۷۳.

۲- [۲] . باذورج، ریحان کوهی است.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۳۳؛ سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۸؛ المستدرک ، ج ۴، ص ۳۳۱؛ مسند احمد، ج ۴ ، ص۱۳۲.

۴- [۴] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۷۹؛ سنن أبی داود، ج ۲، ص ۱۹۵؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۱۴۹؛ فتح الباری، ج ۱۰، ص ۶۵؛ کنزالعمال، ج ۷، ص ۱۱۲؛ مسنداحمد، ج ۶، ص ۱۰۸؛ موارد الضمآن، ص ۳۳۲.

۵- [۵] . بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۴۷۲؛ سنن دارمی، ج ۲، ص ۱۲۰؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۷؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۵۵؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۳۰۰.

۶- [۶] . سنن ترمذی، ج ۳، ص ۲۰۱؛ سنن نسائی، ج ۳، ص ۸۲؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۱۰۱.

وقتی آب می نوشید، می فرمود: «سپاس خدایی راست که با مهربانی، ما را از آب گوارا سیراب کرد و آن را به خاطر گناهانمان شور و تلخ نساخت».(۱)

پیش و پس از نوشیدن، خدای را سپاس می گفت و پس از نوشیدن شیر، دعای ویژه ای می خواند.

آب را در سه نفس و گاه [برای این که بگوید اشکالی ندارد،] به یک نَفس می نوشید. می فرمود:«سه نفس نوشیدن، لذیذتر؛ در هضم غذا، مؤثرتر و برای تندرستی بدن، مفیدتر است».(۲)

در پایان نوشیدن، سه بار نام پروردگار را می برد و سرانجام سه بار او را می ستود.

برخی محبوب ترین نوشیدنی اش را آب شیرین خنک دانسته اند.(۳) بعضی دیگر شیر را دوست داشتنی ترین نوشیدنی او به شمار آورده اند.

در کاسه های چوبین، چرمین و سفالین می نوشید.(۴)

خوشش می آمد که در پیاله شامی بیاشامد و می فرمود:«این، پاکیزه ترین ظرف شماست».(۵)

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۴۶۹؛ الدعاء، ص ۲۸۰؛ الشکرلله عزّوجلّ ، ص ۹۹؛ محاسن ، ج ۲، ص۵۷۸.

۲- [۲] . سنن أبی داود، ج ۲، ص ۱۹۴؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۱۴۷؛ مجمع الزوائد، ج ۵، ص۸۰؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۸۵.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۲۸۵؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۲۰۵؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۳۸.

۴- [۴] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۶؛ سنن النبی، ص ۲۲۳؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۱.

۵- [۵] . سنن النبی، ص ۲۲۳؛ محاسن، ج ۲، ص ۵۷۷.

خفتن

به‌طور معمول در آغاز شب می خفت و در فرجام آن برمی خاست. گاه برای انجام دادن کار مردم، شب، زود نمی خوابید.

چون می خفت، بیدارش نمی کردند تا خود بیدار می شد.

هنگام خفتن، دست راست را زیر گونه راست می نهاد.(۱)

هرگاه از خواب برمی خاست، پروردگار را سجده می کرد.(۲)

مردمان را از خوابیدن بر پشت‌بام بدون نرده یا دیواره، باز می داشت.(۳) ارتفاع مناسب دیوار را یک ذراع و یک وجب می دانست و می فرمود: «کسی که بر پشت بام بی دیواره بخوابد و ناگواری بر او رخ دهد، تنها خویش را سرزنش کند».(۴)

اگر می دید مردی به رو خوابیده و بر باسنش پارچه ای نیست، با پایش به او می زد و می فرمود: «این نوع خوابیدن، منفورترین نوع خفتن در نزد خداوند است.»(۵)

۱- [۱] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۱۲؛ سنن نسائی، ج ۴، ص۲۵۳؛ معجم الکبیر، ج ۲۳، ص۲۰۳.
۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۳؛ سنن النبی، ص ۱۹۳؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۹.
۳- [۳] . اصول کافی, ج ۶, ص۵۳۰؛ محاسن, ج ۲, ص ۶۲۲؛ من لایحضره الفقیه, ج ۳, ص ۵۵۷.
۴- [۴] . اصول کافی, ج ۶, ص ۵۲۰؛ محاسن, ج ۲, ص ۶۲۲.
۵- [۵] . جامع الصغیر, ج ۲, ص ۳۵۲؛ کنزالعمال, ج ۷, ص ۱۱۵؛ مجمع الزوائد, ج ۸, ص ۱۰۱؛ مسنداحمد, ج ۴, ص ۳۸۸.

چگونگی خفتن

به پهلوی راست می آرمید و دست راستش را زیر گونه راست خویش می نهاد و می فرمود: «آفریدگارا! مرا [در] روزی که بندگانت را بر می انگیزانی، از عذابت [در امان] نگه دار».(۱)

عبادبن تمیم از عمویش چنین نقل می کند: «رسول خدا را دیدم که در مسجد خفته بود و یک پایش روی پای دیگرش قرار داشت».

چون برای خفتن به بستر می رفت، می فرمود: «ای آفریدگار، به نام تو زنده ام و می میرم.» دستانش را برابر صورتش می گرفت و سوره های «ناس»، «فلق» و «توحید» را می خواند و بر دستانش می دمید. سپس سه بار بر سر، صورت و پیکرش می کشید.

آراستگی

آقایان

به مردی فرمود: «[موی سر و سیمای] خویش را اصلاح کن؛ این کار بر زیبایی ات می افزاید».(۲)

می فرمود: «وقتی محاسن را در مشت گیرند، هرچه از مشت بیشتر باشد باید کوتاه شود.» پیامبر اصلاح گونه ها را نیز مستحب اعلام کرد.

فرمود: «کسی از شما شارب خود را بلند نکند؛ زیرا شیطان[= میکرِب] آن را پنهان گاه خود قرار می دهد».

ص:۱۹

۱- [۱] . اصول کافی, ج ۳, ص ۳۲۳؛ بحارالانوار, ج ۱۶, ص ۲۵۳؛ تحفه الاحوذی, ج ۹, ص ۲۴۱؛ فتح الباری, ج ۱۱, ص ۹۸.

۲- [۲] . خصال, ص ۵۳۸؛ روضه الواعظین, ص ۳۰۹.

چیدن مو از بینی را مستحب اعلام کرد و فرمود:«شارب و موی بینی خود را بچینید و خود را بر این کار ملزم کنید. این کار بر زیبایی شما می افزاید».(۱)

شانه‌زدن موی بلند را مستحب برشمرد. فرمود: «شانه‌زدن برای هر نماز ــ مستحب و واجب ــ پاداش دارد».(۲)

می فرمود:«کسی که موی دارد، یا آن را کوتاه کند یا آن را به خوبی سامان دهد.»(۳)

از مردان می خواست ناخن هایشان را کوتاه کنند.(۴)

به مردی نگریست که محاسن بلندی داشت. فرمود:«چه می شد اگر محاسنش را اصلاح می کرد؟» خبر به آن مرد رسید. محاسنش را به گونه ای اصلاح کرد که نه بلند بود و نه کوتاه. سپس به دیدار حضرت آمد. پیامبر با دیدنش فرمود: «این گونه اصلاح کنید».(۵)

می فرمود: «لباس های خود را بشویید؛ موهای خود را کوتاه کنید؛ مسواک بزنید؛ آراسته و پاکیزه باشید؛ زیرا یهودیان چنین نکردند و زنانشان زناکار شدند».(۶)

بانوان

به بانوان اجازه داده بود موی سرشان را رنگ مشکی بزنند.(۷)

۱- [۱] . وسائل الشیعه, (چ اسلامیه)، ج ۱، ص ۴۲۴.

۲- [۲] . همان، ص ۴۲۵.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۸۳؛ مشکاه الانوار، ص ۴۵۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۹.

۴- [۴] . اثنا عشره رساله, ج ۳، ص ۱۱۲؛ مکارم الاخلاق، ص ۱۵۵.

۵- [۵] . بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۱۳؛ اصول کافی، ج ۶، ص ۴۸۸؛ مکارم الاخلاق، ص ۱۵۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۰.

۶- [۶] . جامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۸۴؛ کنزالعمال، ج ۶، ص ۶۴۰.

۷- [۷] . بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۰۲؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۰۰.

به بانوان و حتی به دوشیزگان «فرمان» داده بود دستان خویش را با حنا خضاب کنند؛ خانم ها برای آراستگی پیش شوهران و دوشیزگان برای آن که دستانشان همانند دستان مردان [زمخت] نباشد.(۱)

از خانم ها می خواست ناخن هایشان را بلند کنند و آن را زینت و آرایش می دانست.(۲)

خوش خلقی

«در ترازوی عملِ کسی در روز قیامت، چیزی بهتر از خوش‌خُلقی گذاشته نمی شود».(۳)

«ای فرزندان عبدالمطلب! شما با ثروت خود نمی توانید همه مردم را راضی کنید. پس با آنان با چهره ای گشاده و خوش‌خلقی روبه‌رو شوید.»(۴)

«نزدیک ترین هم نشین من در رستاخیز، خوش اخلاق ترین شما ... است».(۵)

تفریح

می فرمود: «گاهی دل های خود را آسایش دهید.»(۶)

حضرت بازی های روای افراد را می دید و مانع نمی شد.(۷)

به باغستان دوستانش می رفت.(۸)

۱- [۱] . همان.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۲۳؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۶۶.

۳- [۳] . اصول کافی، ج ۲، ص۹۹؛ بحارالانوار، ج ۷، ص۲۴۹؛ وسائل الشیعه، (چ اسلامیه)، ج ۸، ص۵۰۵.

۴- [۴] . اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۳؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۹؛ وسائل الشیعه, (چ اسلامیه)، ج ۸، ص ۵۱۲ .

۵- [۵] . عیون أخبارالرضا، ج ۱، ص ۴۱؛ وسائل الشیعه (چ اسلامیه)، ج ۸، ص ۵۰۷.

۶- [۶] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۹؛ تذکره الموضوعات، ص۱۸۹؛ کنزالعمال، ج ۳،ص۳۷؛ مسند الشهاب، ج ۱، ص ۳۹۳.

۷- [۷] . محجه البیضاء، ج ۴، ص ۱۲۷.

۸- [۸] . سنن النبی، ص ۱۱۴.

به یارانش سفارش می کرد: «تفریح و بازی کنید؛ همانا من دوست ندارم که در دین شما خشونتی دیده شود».(۱)

شوخی

حسین، پسر زید می گوید:«از امام باقر پرسیدم: پدر و مادرم فدایت باد! آیا پیامبر شوخی هم می کرد؟ فرمود: ... از مهربانی او به پیروانش آن بود که با آنان شوخی می کرد تا بزرگی اش چنان برای آنها جلوه نکند که بدو ننگرند».(۲)

امام صادق(ع) نیز هدف شوخی حضرت را «شاد کردن مخاطب»(۳) بیان می کند، نه ریشخند و تحقیر کردن دیگران برای زبان آوری و گرم کردن مجلس.

عبدالله، پسر _حارث_ می گوید: «کسی را شوخ تر از رسول خدا ندیدم».(۴)

عایشه می گوید:«حضرت بسیار شوخی می کرد و می فرمود: آفریدگار درباره شوخی راستگو بازخواست نمی کند».(۵)

حضرت از _ابوهریره_ خواست تا با عرب ها شوخی نکند. روزی ابوهریره کفش حضرت را ربود و آن را نزد خرمافروش گرو گذاشت و خرما گرفت.

۱- [۱] . جامع الصغیر، ج ۱، ص ۲۳۹؛ کنزالعمال، ج ۱۵، ص ۲۱۲.

۲- [۲] . مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۹۸.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۸، ص۳۱۷؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۶۸؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۲، ص ۳۲۳؛ نوادر، ص ۱۵۹.

۴- [۴] . اصول کافی، ج ۶، ص ۳۶۰؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۷؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۶۷.

۵- [۵] . بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۲۶؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۶۷؛ معجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۳۴۰.

مشغول خوردن بود که پیامبر سر رسید و از او پرسید: «ای اباهریره! چه می خوری؟» پاسخ داد:«کفش پیامبر را!» (۱)

مردی نزد پیامبر آمد و گفت:«نابود شدم! در ماه رمضان با همسرم آمیزش کردم.» حضرت فرمود:«بنده ای آزاد کن.»

ــ ندارم.

ــ پس دو ماه پشت سر هم روزه بگیر.

ــ [به خاطر ضعف بدنم] نمی توانم.

ــ پس شصت بینوا را سیر کن.

ــ [هزینه اش را] ندارم.

پیامبر ظرفی از خرما آورد و فرمود:

ــ فقیری پیدا کن و این را به او صدقه بده.

ــ چه کسی تهی‌دست تر از من است؟! به خدا قسم، اگر تمام شهر را بگردی، فقیرتر از خانواده ما پیدا نمی کنی.

حضرت خندید و فرمود: «پس در این صورت خودتان بخورید!»(۲)

می فرمود: «مؤمن، خوش‌رو و بذله گوست؛ و منافق، تُرش‌رو و خشمگین».

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص۴۱۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص۱۲۹.

۲- [۲] . سنن دارمی، ج ۲، ص۱۱؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۵۳۵؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۳۶؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۹؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۰۸.

نظم

نعمان می گوید: «حضرت همواره صف های نماز ما را منظم می کرد؛ آن‌چنان‌که تیرهای کشیده و صاف را ردیف می کنند ... روزی برای آغاز نماز ایستاد و چیزی نمانده بود که تکبیرةالاحرام را نیز بگوید که دید مردی سینه اش را جلو داده است؛ فرمود: بندگان خدا، یا صف هایتان را منظم کنید یا [همین بی نظمی در شما تأثیر می گذارد و] میانتان اختلاف خواهد افتاد».(۱)

مدیریت زمان

در ساعت معینی از شبانه روز به همسرانش سر می زد.(۲)

چون به خانه می رفت، وقتش را سه قسمت می کرد: بخشی برای پروردگار والا [و راز و نیاز با او]؛ قسمتی برای خانواده اش و پاره ای برای خودش، ولی گاه آن ساعت را که به خود اختصاص داده بود، بین خود و مردم تقسیم می کرد.(۳)

۱- [۱] . ریاض الصالحین ، ص ۱۳۶؛ شرح مسلم (نووی)، ج ۴، ص ۱۵۷؛ فیض القدیر، ج ۴، ص ۳۹۶ .
۲- [۲] . تحفه الاحوذی، ج ۱، ص ۳۶۷؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۷۱؛ جامع الصغیر، ج ۲، ص۳۷۷؛ فیض القدیر، ج ۵، ص ۲۷۱؛ عون المعبود، ج ۱، ص ۲۵۳؛ کنزالعمال، ج ۷، ص ۱۳۰.
۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۰؛ حلیه الابرار، ج ۱، ص ۱۷۴؛ عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۸۳.

فصل دوم: خانواده

تشویق به تشکیل خانواده

پیامبر همواره به تشکیل خانواده تشویق می کرد و مردمان را از بی همسری بیم می داد و می فرمود: «بیشتر دوزخیان، بی همسرانند».(۱)

«دو رکعت نماز کسی که همسر دارد، بهتر از هشتاد و دو رکعت نماز انسان بی همسر است».(۲)

همواره دیگران را به ازدواج آگاهانه تشویق می کرد تا هرکدام از همسران به آرامش دست یابند؛ آرامشی که در پرتو ثروت و شهرت به دست نمی آید. می فرمود: «بیچاره است، بیچاره است، بیچاره، مردی که همسر ندارد».

گفتند: «گرچه ثروتمند باشد؟»

ـ گرچه ثروتمند باشد. بیچاره است، بیچاره است، بیچاره، زنِ بی شوهر.

ـ گرچه ثروتمند باشد؟

ـ گرچه ثروتمند باشد.(۳)

۱- [۱] . مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۸۱؛ نزهه الناظر، ص ۳۴.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۵۳.

۳- [۳] . کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۲۷۸؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۵۲.

«وقتی مرد به همسرش و همسرش بدو می نگرد، پروردگار، مهربانانه به آنان می نگرد».

اهمیت همسر شایسته

«آدمی، پس از ایمان به خداوند، به چیزی برتر از همسری همدل دست نمی یابد».(۱)

در سخنی دیگر، از بانوی شایسته، نه به عنوان گنج، بلکه «بهترین گنجینه» نام برده است: «آیا شما را از بهترین گنجینه آگاه کنم؟ زنی شایسته ...».(۲)

رشد دادن یکدیگر

«خداوند بیامرزد مردی را که [نیمه] شب برمی خیزد و نماز [شب] می خواند و همسرش را بیدار می کند و اگر زنش برنمی خیزد، مرد به صورتش [مهربانانه] آب می پاشد.

پروردگار بیامرزد زنی را که شب برمی خیزد و نماز [شب] می خواند و شوهرش را بیدار می کند و اگر شوهرش برنمی خیزد، به صورتش [مهربانانه] آب می پاشد».(۳)

موریانه های فتنه

درباره کسانی که به سان موریانه در کانون گرم خانواده ها رخنه می کنند و بنیان های آن را با سخنان فتنه گرانه خویش سست می سازند، می فرمود: «خشم و

۱- [۱] . مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.
۲- [۲] . سنن ابی داود، ج ۱، ص ۳۷۵؛ مستدرک (حاکم)، ج ۱، ص ۴۰۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۱.
۳- [۳] . سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۶؛ سنن نسائی، ج ۳، ص ۲۰۵؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۵۰.

نفرین آفریدگار در این جهان و آن جهان بر کسی باد که میان مرد و زنی جدایی افکند و بر خداوند است او را با هزار سنگ دوزخی بکوبد.

و کسی که برای بر هم زدن میانه آن دو گام بردارد، ولی کارش به جدایی آنان نینجامد، مورد خشم خداوند والا و نفرین او در دنیا و آخرت است و پروردگار بدو [با مهربانی] نمی نگرد».(۱)

پروانه‌های آشتی

«کسی که برای آشتی دادن زن و شوهری گام بردارد، پروردگار بدو پاداش هزار شهیدی می دهد که به راستی در راه خدا کشته شدند، و برای هر گام که برمی دارد و هر واژه ای که در این زمینه می گوید، عبادت یک سال را به او عطا می کند؛ سالی که روزهایش را روزه بوده و شب هایش را شب زنده داری کرده است».(۲)

خوش خُلقی

روزی _اُم سلمه_ از او پرسید: «پدر و مادرم فدایت! زنی دو شوهر داشت. آنان هر دو مردند و به بهشت رفتند. این زن با کدامین آنها زندگی خواهد کرد؟»

فرمود: «ای ام سلمه! زن، مردی را که خوش اخلاق تر و با خانواده بهتر است، برمی گزیند».(۳)

۱- [۱] . لواقح الانوار القدسین، ص ۸۷۹.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۶۹.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۱۹؛ خصال، ص ۴۲؛ مشکاه الانوار، ص ۳۹۳.

عدالت ورزی

عایشه می گوید: «شیوه رسول گرامی چنان بود که هرگاه می خواست به سفر رود، میان همسرانش قرعه می زد و نام هر کسی که درمی آمد، او را با خویش به سفر می برد».(۱)

«مردی که دو همسر داشته باشد و میانشان به عدالت رفتار نکند، روز رستاخیز در حالی می آید که دستانش را بسته اند و نیمی از پیکرش کج [و فلج] است تا او را در دوزخ افکنند».(۲)

کتک نزدن همسر

«هر مردی که همسرش را بیش از سه بار کتک بزند، آفریدگار در روز رستاخیز، او را چنان رسوا می کند که مردمان نخستین و واپسین بدو بنگرند(۳) [و آبرویش نزد همگان بریزد]».

«آیا کسی از شما همسرش را کتک می زند و بعد [از مدت کوتاهی] او را در آغوش می کشد؟(۴)»

«از مردی در شگفتم که همسرش را می زند، درحالی که او [به خاطر این رفتار ناشایست] به کتک خوردن سزاوارتر است».(۵)

«هر مردی که به همسرش سیلی زند، آفریدگار بلندپایه [در روز رستاخیز] به کلیددار دوزخ فرمان می دهد که هفتاد سیلی داغ از آتش دوزخ به او بزنند».(۶)

۱- [۱] . سنن دارمی، ج ۲، ص ۲۱؛ صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۳۵؛ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۱۳.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۱۴؛ ثواب الاعمال، ص ۲۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۴۲.

۳- [۳] . عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۵۴.

۴- [۴] . اصول کافی، ج ۵، ص ۵۰۹؛ وسائل الشیعه (چ اسلامیه)، ج ۱۴، ص ۱۹.

۵- [۵] . بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

۶- [۶] . مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

«همسرانتان را با چوب کتک نزنید که قصاص دارد».(۱)

رعایت عفاف

حضرت برای پاسداری از کانون گرم خانواده، سخن گفتن مردان با زنان و دوشیزگان بیگانه را بدون آنکه ضرورتی در کار باشد، ناپسند می شمرد.

«مردی که با زنی نامحرم شوخی کند، پروردگار [در رستاخیز] به‌خاطر هر واژه هزار سال زندانی اش می کند!»(۲)

«بدانید که هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نمی کند، جز آنکه سومین نفر آن جمع شیطان است».

به مردان توصیه می کرد: «پاک‌دامن باشید تا زنان شما پاکدامن باشند».(۳)

تأمین اقتصادی

«ملعون است ملعون، کسی که افراد تحت سرپرستی خود را رها سازد. بزرگ ترین گناه در نظر خداوند آن است که مردی افراد تحت سرپرستی خود را سرگردان گذارد».(۴)

می فرمود: «در بهشت، مقامی است که جز سه تن بدان نرسند: ... [و یکی از آنها] کسی است که نان‌خورهایی دارد و صبور است.» امام علی(ع) پرسید:

۱- [۱] . مستدرک سفینه البحار، ج ۱۰، ص ۴۷.

۲- [۲] . وسائل الشیعه, (چ اسلامیه)، ج ۱۴، ص ۱۴۳.

۳- [۳] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۵۶؛ کنزالعمال، ج ۵، ص ۳۱۷؛ معجم الاوسط، ج ۶، ص ۲۴۱؛ مجمع الزوائد ، ج ۸ ، ص ۸۱ .

۴- [۴] . کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۲۸۴.

«صبوری این صاحب خانوار یعنی چه؟» حضرت فرمود: «اینکه بر افراد تحت سرپرستی اش به خاطر خرج هایی که می کند, منت نمی گذارد.»(۱)

همچنین می فرمود: «از ما نیست کسی که خداوند به او وسعت اقتصادی داده است، ولی او بر خانواده اش سخت می گیرد».

«درهمی که برای خانواده ات خرج می کنی، برایم محبوب تر است از دیناری که در راه خدا خرج بکنی».

کار در خانه

به مردان می فرمود:«خدمتتان به همسرانتان، صدقه به شمار می آید(۲) [و پاداش دارد]».

«ای علی! ... از من بشنو و من جز آنچه خدایم فرمان داده است، نمی گویم: هر مردی که همسرش را در [کار] خانه کمک کند، به تعداد موهای اندامش یک سال عبادت برایش محسوب می کنند؛ سالی که روزهایش روزه بوده و شب هایش را به پا خاسته باشد ... .

ای علی! کسی که در خدمت خانواده اش در خانه باشد و خودخواهی نورزد، آفریدگار نامش را در دیوان شهیدان می نگارد ... و برای هر قدمش، یک حج و یک عمره پاداش می دهد ... .

ای علی! ساعتی را در خدمت همسر بودن، برتر است از هزار سال پرستش و هزار حج و هزار عمره و آزاد کردن هزار برده و شرکت در هزار جهاد و عیادت هزار بیمار و حضور در هزار نمازجمعه و شرکت در هزار تشییع جنازه و سیر کردن

۱- [۱] . کنزالعمال، ج ۱۵، ص ۸۳۴ .
۲- [۲] . کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۴۰۸.

هزار گرسنه و ... و آزاد کردن هزار اسیر ... . چنین کسی چشم از جهان فرو نخواهد بست، جز آنکه جایگاهش را در بهشت خواهد دید ... .

ای علی! خدمت به همسر، کفاره گناهان بزرگ است و خشم پروردگار را فرو می نشاند».(۱)

پرداخت مهریه

«در روز رستاخیز، خداوند والا می گوید: بنده من، کنیزم را به عهد خودم به عقدت درآوردم، تو [با نپرداختن مهریه] به عهدم وفا نکردی و به کنیزم ستم کردی. پس از نیکی های مرد می گیرند و به اندازه حق زن بدو می دهند. اگر مرد نیکی نداشته باشد، فرمان می رسد او را به خاطر شکستن پیمان در دوزخ افکنید».(۲)

«کسی که زنی بگیرد و در اندیشه اش قصد پرداخت مهریه نداشته باشد، هنگام مرگ به سانِ زناکاران می میرد».(۳)

«کسی که به زنی زیان رساند تا بدانجا که زن گوید: «مهرم حلال، جانم آزاد»، پروردگار برای آن مرد به مجازاتی کمتر از آتش دوزخ راضی نخواهد شد».(۴)

همسران

عایشه می گوید: «رسول خدا همواره در تقسیم [اوقات و حقوق همسرانش] به عدالت رفتار می کرد و می فرمود: خداوندگارا! این سهم من است در آنچه بر آن

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۴۸.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۳۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۳.

۳- [۳] . جامع الصغیر, ج ۱، ص ۴۵۵؛ العهود المحمدیه، ص ۳۱۳؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۱۳۱.

۴- [۴] . بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۶۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۳۸۰.

اختیار دارم؛ پس در آنچه اختیارش به عهده ام نیست[= قلبم] و تو مالک آن هستی، مرا سرزنش نکن».(۱)

وقت خویش را میان همسرانش تقسیم می کرد ... همه، هر شب، در خانه همسری که نوبت او بود، جمع می شدند.(۲)

در مصاحبت و رفتار با همسرانش نرم خوترین، بزرگوارترین مردمان و بسیار خنده رو بود.(۳)

عایشه می گوید: «در ماندن نزد ما کسی را بر دیگری ترجیح نمی داد. کم بود روزی که او به همه ما سر نزند. بدون برقراری ارتباط جنسی با همسرانش دیدار می کرد تا به همسری می رسید که آن روز نوبت او بود. پس نزدش می ماند».(۴)

خانه؛ چشمه آرامش

انس می گوید: «زنان مرا نزد رسول گرامی فرستادند تا بگویم: ای فرستاده خدا! مردان به برکت جهاد گوی سبقت را ربودند؛ آیا کاری هست که ما با انجام آن پاداش کار جنگاوران راه خدا را دریابیم؟

۱- [۱] . سنن ابن ماجه ، ج ۱، ص ۶۳۳؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۷۳؛ سنن دارمی، ج ۲، ص۱۴۴ ؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۱۴۴.

۲- [۲] . صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۴؛ معجم الکبیر، ج ۹، ص ۶۹.

۳- [۳] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۲۹؛ کنزالعمال، ج ۷، ص ۲۲۲؛ مسند ابن راهویه، ج ۳، ص ۱۰۰۷.

۴- [۴] . ارواء الغلیل، ج ۷، ص ۸۵؛ المستدرک (حاکم)، ج ۱، ص ۱۳۵؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۱ ، ص ۱۲۳؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۷۴؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۲۵۵؛ المعجم الاوسط, ج ۵، ص ۲۵۹؛ نصب الرایه، ج ۳، ص ۹۴.

ایشان فرمود: خانه داری شما، [همان] یافتن پاداش جنگاوران راه خداست».(۱)

«هر زنی که [برای انجام کارِ خانه] برخیزد و برای همسرش نان بپزد و گرمای آتش آزارش دهد، آفریدگار آتش را بر او حرام کند».

مردی نزد پیامبر آمد و گفت: «همسری دارم که هرگاه وارد خانه می شوم، به پیشوازم می آید و چون بیرون می آیم، مرا بدرقه می کند. هرگاه غمگینم می یابد، به من می گوید: از چه رنج می بری؟ اگر به‌خاطر درآمد است که کسی جز تو[= آفریدگار] عهده دار آن است [و تو تنها باید تلاش کنی] و اگر به خاطر آن جهان است، پروردگار بر اندوهت بیفزاید».

حضرت فرمود: «خداوند کارگزارانی دارد که این زن از آنهاست. او نیمی از پاداش شهید را دارد».(۲)

منزلت شوهر

در پایان نبرد اُحد، به ـحَمُنَه ـ، دختر ـجحش ـ گفتند: «برادرت کشته شد.» گفت: «خدایش بیامرزد. همه ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم.» گفتند: «شوهرت کشته شد.» گفت: «دریغا!» پیامبر با دیدن این صحنه فرمود: «مرد در دلِ زنش جایگاهی دارد که چیزی با آن برابری نمی کند».

۱- [۱] . روضه الواعظین، ص ۳۷۶؛ مجمع الزوائد، ج۴، ص ۳۰۴؛ مسند أبی یعلی، ج ۶، ص ۱۴۱.
۲- [۲] . مسکن الفؤاد، ص ۷۱؛ مستدرك (حاکم)، ص ۴، ص ۶۱.

زنان برتر

«بهترین زنان شما زن خوش‌بو [برای شوهر] است و زنی که آشپز خوبی باشد».(۱)

«آیا شما را از زنانی که اهل بهشتند، آگاه کنم؟ زن وفاداری که فرزند بسیار آورد، زود آشتی کند و همین‌که بدی کرد، [به همسرش] بگوید: دست من در دست توست [و در اختیار توام]، چشم بر هم نمی گذارم مگر اینکه از من راضی شوی».(۲)

«بهترین زنان شما کسی است که مهریه اش کمتر است.»

«زنان قریش برترین زنانند ...[؛ زیرا] به خردسالان خود مهربانند و حقوق همسران خویش را رعایت می کنند».(۳)

«بهترین زنان شما زنی است که اگر خود یا همسرش خشمگین شوند، به همسرش می گوید: دستم در دست توست. چشمانم به خواب نمی روند مگر از من خرسند شوی».(۴)

می فرمود: «بهترین زنان، زنی است که برای همسرش بهترین زن باشد.»

«زن کم خرج، بابرکت ترین زن است».(۵)

۱- [۱] . اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۵؛ عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۲۹۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۸.

۲- [۲] . سنن کبری، ج ۵، ص ۳۶۱.

۳- [۳] . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۳۹؛ صحیح مسلم، ۷، ص ۱۸۲؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۹۳.

۴- [۴] . بحارالانوار, ج ۱۰۰, ص ۲۳۹؛ مستدرک الوسائل, ج ۱۴, ص ۱۶۱.

۵- [۵] . مستدرک الوسائل, ج ۱۴, ص ۱۶۲.

بدترین زنان

روزی فرمود: «آیا شما را از بدترینِ زنان آگاه کنم؟» گفتند: «آری».

فرمود: «او زنی است در خانـدان خـویش خوار، بر شوهر خود مسلط، ... کینه توز است. از انجام هیچ کار زشتی فروگذار نیست. هرگاه شویش نیست، خویش را می آرایـد. از سخنش پیروی نمی‌کند و فرمانش را نمی‌برد. پوزش همسرش را نمی پذیرد و گناهش را نمی بخشد».(۱)

همواره در نیایش خود می گفت: «[خداوندگارا!] به تو پناه می برم از زنی که پیش از پیری طبیعی مرا پیر کند!»(۲)

«هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، پروردگار نه انفاقش در راه خدا را می پذیرد، نه نماز مستحبی اش را و نه نیکی اش را، تا شوهرش را خرسند کند. حتی اگر آن زن روزها را روزه گیرد و شب ها [برای نماز] به پا خیزد و برده ها آزاد کند، ... [باز هم] نخستین کسی خواهد بود که وارد دوزخ می شود».(۳)

«بدترین زنان شما، زنی است کم‌حیا، ترش‌رو، زبان دراز و بددهن».(۴)

«بدترین زنان شما، زنی است کثیف، لجوج و سرکش».(۵)

ص:۳۵

۱- [۱] . اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۵؛ روضه الواعظین، ص ۳۷۴؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۰۲؛ من لایحضره الفقیه ، ج ۳، ص ۳۸۹.

۲- [۲] . اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۶.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۳۴؛ ثواب الاعمال، ص ۲۸۴.

۴- [۴] . بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۰.

۵- [۵] . اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۶.

«هر زنی که به ناحق از همسرش قهر کند، در رستاخیز با ـفرعونـ و ـهامانـ در ژرفای دوزخ به سر خواهد برد، مگر آنکه توبه کند و برگردد».(۱)

«هرگاه زنی به شوهرش بگوید: «از تو خیری ندیدم»، کارهای نیکش نابود می شود».(۲)

«فتنه ای سخت را دیدید و تاب آوردید. من از فتنه ای سخت تر بر شما بیم دارم که از سوی زنان می آید؛ هنگامی که النگوی طلاـ به دست و پارچه های فاخر به بر کنند و [شوهران] توانگر خود را [برای تهیه لوازم غیرضروری] به زحمت افکنند یا [همسران] بینوا را برای تهیه چیزی که در دسترس [توانشان] نیست به زحمت افکنند».(۳)

به بانوان هشدار می داد که: «وای بر زنان از دو چیز رنگین: طلا و جامه زیبا(۴) [ی بس گران بها]».

می فرمود: «هیچ زنی نیست که [بی جا] خشمگنانه به شوهرش بنگرد، جز آنکه [روز رستاخیز،] خاکستر آتش دوزخ را به چشمانش سرمه کشند».(۵)

پاداش بزرگ!

«زن هنگامی که باردار می شود، تا زمانی‌که زایمان می کند و تا هنگامی‌که کودکش را از شیر می گیرد، [به خاطر رنج هایی که می کِشد] به سانِ مرزبان راه

۱- [۱] . مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۰۲.
۲- [۲] . جامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۲۰؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۰.
۳- [۳] . جامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۶۳.
۴- [۴] . کنزالعمال، ج ۶، ص ۶۷۷.
۵- [۵] . مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۰.

خداست. پس اگر در این فاصله چشم از جهان فرو پوشد، پاداش شهید را دارد».(۱)

«هر زنی که شوهرش را بر حج، جهاد یا دانش پژوهی یاری کند، پروردگار، پاداشی را که به همسر ایوب پیامبر داده است، به وی خواهد داد».(۲)

رنج هووداری!

«آفریدگار، رنج هووداری را بر بانوان و جهاد را بر مردان نگاشته است. هر زنی از روی ایمان و در انتظار پاداش پروردگار [نه از سر ضعف]، بر رنج هووداری شکیبایی ورزد، پاداش شهید را دارد».(۳)

محبت به فرزندان

انس می گوید:«کسی با زن و فرزندش مهربان تر از رسول گرامی نبود. حضرت پسری شیرخوار در حومه شهر داشت. به سوی آنجا رهسپار می شد و ما نیز با او می رفتیم. داخل خانه می شد. آتش می افروخت و بر آن می دمید. پسرش [ابراهیم] آراسته بود. او را می گرفت، می بوسید و می بویید و سپس برمی گشت. هنگامی که پسر چشم از جهان فروبست، فرمود: «او را در کفن نپوشانید تا بدو بنگرم.» کودک را آوردند. خویش را بر وی افکند و گریست».(۴)

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۷؛ کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۴۱۱؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۳۰۵؛ من لایحضره الفقیه ، ج ۳، ص ۵۶۱.

۲- [۲] . مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۳۹.

۳- [۳] . جامع الصغیر ، ج ۱، ص ۲۷۱؛ کشف الخفاء، ج ۱، ص ۲۳۶؛ کنزالعمال، ج۱۶، ص۴۰۷؛ فتح الباری، ج۹، ص ۲۶۶؛ معجم الکبیر (طبرانی)، ج ۱۰، ص ۸۸ ؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۳۲۰.

۴- [۴] . صحیح مسلم، ج ۷، ص ۷۶.

چون صبح می شد، بر سر فرزندان و نوه هایش دست [مهر] می کشید.

می فرمود: «هر درختی، میوه ای دارد و میوه دل، فرزند است.»(۱)

«بوی فرزند، از بوهای بهشت است. فرزندانتان را زیاد ببوسید. روزی یکی از فرزندانش را روی زانوی خود نشانده بود و می بوسید و به او محبت می کرد. در این هنگام، مردی از اشراف به خدمت حضرت آمد و با دیدن این صحنه به حضرت عرض کرد: من ده پسر دارم و تا به حال هنوز هیچ کدامشان را برای یک‌بار هم نبوسیده ام.

پیامبر از این سخن چنان عصبانی شد که رنگ صورتش برافروخته و سرخ گردید. آن گاه فرمود:کسی که به دیگران رحم نکند، خدا نیز به او رحم نخواهد کرد».

احترام و مهرورزی به زنان [همسران]

به مردان سفارش می کرد:«کسی که همسری گرفته است، باید او را گرامی بدارد.»(۲)

به مردان هشدار می داد:«خداوند همه گناهان را [با شرایطی] می بخشد، جز کسی را که ... مهریه را انکار کند(۳) [و در روایتی دیگر: پرداخت آن را به تأخیر افکند]».

دوست داشتن زنان [= همسران] و آگاه کردن آنها از این محبت را مستحب اعلام کرد.(۴)

۱- [۱] . جامع الصغیر، ج ۱، ص ۳۶۹؛ کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۴۵۷؛ مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۱۵۵.

۲- [۲] . سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۴.

۳- [۳] . بحارالانوار, ج ۱۰۰, ص ۱۲۹؛ مستدرک الوسائل, ج ۱۵, ص ۷۲.

۴- [۴] . وسائل الشیعه, (چ اسلامیه), ج ۱۴, ص ۹.

می فرمود: «این که مرد به زنش بگوید: «تو را دوست دارم»، هرگز از دل زن بیرون نمی رود».(۱)

«هرچه بر ایمان بنده ای افزوده شود، بر محبت او به زنان[= همسرش] افزوده می شود».(۲)

به مردانی که گمان می بردند عشق به همسر _ هرچند مانع از انجام وظایف دینی نشود _ چندان کار پسندیده ای نیست، می فرمود: «به خاندان ما هفت چیز داده اند که نه به پیشینیان ما داده اند و نه به کسانی که پس از ما می آیند خواهند داد: ... [یکی از آنها] عشق به زنان[= همسران] است».(۳)

«جبرئیل آن‌قدر سفارش زنان را کرد که گمان کردم طلاق دادن آنان حرام است».(۴)

پیامبر، محبت به زنان و چشم پوشی از اشتباهات آنها را مستحب برشمرد.(۵) در سفارشی طولانی فرمود: «برادرم، جبرئیل ... همواره سفارش زنان را به من می کرد تا آنجا که گمان بردم روا نیست مرد [با اعتراض] به همسرش بگوید: اَه!»(۶)

۱- [۱] . اصول کافی, ج ۵, ص ۵۶۹.

۲- [۲] . بحارالانوار, ج ۱۰۰, ص ۲۲۸؛ دعائم الاسلام, ج ۲, ص ۱۹۲؛ نوادر, ص ۱۱۴.

۳- [۳] . بحارالانوار, ج ۱۰۰, ص ۲۲۸؛ سنن النبی, ص ۲۰۹؛ نوادر, ص ۱۲۳.

۴- [۴] . عوالی اللئالی, ج ۱, ص ۲۵۴.

۵- [۵] . مستدرک الوسائل, ج ۱۴, ص ۲۵۲؛ وسائل الشیعه, (چ اسلامیه), ج ۱۴, ص ۱۲۱.

۶- [۶] . همان.

«از خداوند والاـ درباره زنان پروا پیشه کنید. آنان [به سان] اسیران نزد شمایند. آنان را به عنوان امانت های خداوندی [به همسری] گرفته اید ... بر شما حقی واجب دارند؛ فرزندانتان را در درون خویش حمل می کنند تا [زمانی که] با زایمان [از این رنج طاقت فرسا] رها شوند. پس با آنان مهر بورزید و دلشان را به دست بیاورید. تا در کنار شما بایستند. زنان را ناپسندیده نشمارید و بر آنان خشم مگیرید. از آنچه [از مهریه و جز آن] به آنها داده اید، جز با رضایت خاطر و اجازه آنان، چیزی باز پس نگیرید...». (۱)

«بهترین شما کسی است که ... برای همسرش بهترین [شوهر] است».

«مردی که بر بداخلاقی همسرش تاب بیاورد، پروردگار، پاداشی را که به‌خاطر تحمل ناگواری ها به حضرت «ایوب» داده است، به او خواهد داد.»(۲)

«بهترین شما، کسانی هستند که برای زنان خود بهترین [شوهر] باشند. و من از همه شما برای خانواده ام، بهترم».(۳)

بانوان

احترام به آنان

به بانوان سلام می کرد و آنها پاسخش را می دادند.(۴)

هیچ زنی را نفرین نکرد.(۵)

۱- [۱] . همان.

۲- [۲] . مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۶۲.

۳- [۳] . سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۳۶؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۶۹؛ عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۷۰؛ من لایحضره الفقیه ، ج ۳، ص۴۴۳.

۴- [۴] . سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۳؛ کشف الخفاء، ج ۱، ص ۳۰۸.

۵- [۵] . تحفه الاحوذی، ج ۵، ص۴۶۷؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۵؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۴۷۱.

برای احترام، بانوان فرزنددار و بی فرزند را با کنیه(۱) خطاب می کرد.

برای احترام به احساسات مثبت زنان، به مردان می فرمود:

«کسی که میان مادر و فرزندانش جدایی افکَنَد، پروردگار در بهشت میان او و محبوبانش جدایی می افکَنَد».(۲)

«کسی جز بزرگوار، زنان را گرامی نمی دارد و کسی جز فرومایه به آنان توهین نمی کند».(۳)

حضور در صحنه های اجتماع

ــرُبیعْــ، دختر ــمعوذ انصاریــ می گوید: «در کنار پیامبر می جنگیدیم. مردمان را سیراب می کردیم و زخمی ها را مداوا. کشتگان را به شهر برمی گرداندیم».

ــاُم عطیهــ می گوید: «هفت جنگ در کنار پیامبر بودم. پشت‌سر مسلمانان حرکت می کردم. برایشان غذا می پختم. مجروحان را مداوا و از بیماران مراقبت می کردم».

انس می گوید: «بانوان آب می آوردند و مجروحان را مداوا می کردند».

انس می گوید: «در نبرد حنین، اُم سُلَیم، خنجری با خویش حمل می کرد. حضرت با دیدن او و خنجرش پرسید: [قضیه] این خنجر چیست ای امّ سلیم؟

۱- [۱] . کنیه، نامیدن پسران و مردان به «ابو ...» و دختران و زنان به «ام ...» است که در فرهنگ عربی نشانه احترام نهادن به آنها است.

۲- [۲] . سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۷۶؛ مستدرک (حاکم)، ج ۲، ص ۵۵؛ مسند احمد، ج ۵، ص۴۱۳.

۳- [۳] . جامع الصغیر، ج ۱، ص ۶۳۲؛ کشف الخفاء، ج ۱، ص ۳۸۶؛ کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۳۷۱.

گفت: این خنجر را برداشته ام تا اگر مشرکی خواست به من نزدیک شود، شکمش را سفره کنم! پیامبر خنده اش گرفت».(۱)

بیعت بانوان با رسول خدا در روز عید فطر(۲) و همچنین بیعتشان در روز فتح مکه، نشان حضور آنان در عرصه های گوناگون است.

فراگیری دانش

روزی بانویی نزد پیامبر آمد و گفت: «ای فرستاده خدا! مردان از سخنانت بهره مند می شوند. برای ما روزی معین کن که نزدت بیاییم تا آنچه را از خدایت آموخته ای، به ما بیاموزانی.» حضرت فرمود: «در فلان روز و فلان جا گرد هم می آیید.» پس [در روز موعود] گرد آمدند و رسول خدا از مطالب وحیانی به آنان آموخت.(۳)

احترام به احساسات سالم

مردی از خاندان پیامبر چشم از جهان فروبست. بانوان گرد آمدند و [بی فریاد] می گریستند. عمر برخاست تا مانع گریه آنان شود و آنان را بپراکنَد. پیامبر فرمود: «آنها را رها کن عمر! چشم می گرید و دل دردمند می شود و پیوند [خویشاوندی] نزدیک است».(۴)

۱- [۱] . فتح الباری، ج ۶، ص ۵۸؛ مسند أبی یعلی، ج ۶، ص ۲۲۶؛ معجم الکبیر، ج ۲۵ ، ص ۱۱۹؛ منتخب مسند عبدبن حمید ، ص ۳۶۲.

۲- [۲] . ممتحنه: ۱۲.

۳- [۳] . ریاض الصالحین، ص ۴۳۲؛ صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۴۹؛ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۳۹.

۴- [۴] . تحفه الاحوذی، ج ۴، ص ۷۵؛ سنن نسائی، ج ۴، ص ۱۹؛ صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۴۲۹؛ موارد الضمآن ، ص ۱۹۰.

جوانان

می فرمود: «مرا جوانان یاری کردند».

«خداوند در میان مردم، بیشتر از همه جوان کم‌سن و سالی را دوست دارد که زیباست و جوانی و زیبایی اش را در راه خداوند و پیروی از او به کار می گیرد. این جوان کسی است که پروردگار در برابر فرشتگان به او افتخار می کند و می فرماید: او بنده راستین من است».

«پروردگار، جوانی را دوست دارد که جوانی اش را در پیروی خداوند والا سپری کرده است».(۱)

«برتری جوان نیایشگری که نوجوانی اش را عبادت کرده، بر پیری که پس از بالا رفتن سنش عابد شده، به سان برتری پیامبران است بر مردم(۲) [عادی]».

«آفریدگار والا در برابر فرشتگان به جوان عابد افتخار می کند و می گوید: به بنده ام نگاه کنید؛ خواسته ها[ی ناروایش] را به‌خاطر من رها کرده است».(۳)

«نزد خداوند چیزی محبوب تر از جوان توبه گر نیست.»(۴)

«نزد خداوند، جوانِ گشاده دست خوش‌اخلاق، از عابد پیر تنگ چشم بداخلاق محبوب تر است».(۵)

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۹۰؛ الشمائل المحمدیه، ص ۳۳؛ المصنف، ج ۷، ص ۴۴۵.
۲- [۲] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۲۱۳؛ کنزالعمال، ج ۱۵، ص ۷۷۶.
۳- [۳] . جامع الصغیر، ج ۱، ص ۲۸۲؛ کنزالعمال، ج ۱۵، ص ۷۷۶.
۴- [۴] . جامع الصغیر ، ج ۲، ص ۵۱۶؛ روضه الواعظین ، ص ۴۸۱؛ کنزالعمال ، ج ۴، ص ۲۱۷؛ مشکاه الانوار ، ص ۲۰۱.
۵- [۵] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۷۴؛ کنزالعمال، ج ۶، ص ۳۶۱.

به جوانان احترام می گذاشت و برخلاف نظر برخی از سالمندان، آنان را به فرماندهی سپاه می گماشت یا به عنوان نماینده خویش برای فراخوانی مردم غیرمسلمان به اسلام، نزد آنها می فرستاد. عنایتی خاص به تربیت همه جانبه جوانان داشت و می فرمود: «دوست ندارم جوانان شما را جز در دو موقعیت ببینیم: یا دانش‌جو یا دانشمند. اگر جوانی چنین نباشد، کوتاهی کرده است. اگر کوتاهی کند، تباه می شود. و اگر تباه شد، گنه‌کار است. و اگر گناه و نافرمانی کند، سوگند به آنکه محمد را به حق، به پیامبری فرستاد، در آتش دوزخ جای می گیرد».

کودکان

با حفظ شخصیت کودکان، «بیشترین شوخی را با بچه ها می کرد.»(۱) تاریخ نویسان نوشته اند: «مهربانی با کودکان، شیوه و روش رسول خدا بود».(۲)

به والدین سفارش می کرد: «با فرزندانتان به عدالت رفتار کنید؛ همان‌گونه که دوست دارید با شما به نیکی و مهربانی و عدالت رفتار شود».(۳)

مردی را دید که یکی از دو فرزندش را می بوسد و دیگری را نمی بوسد. فرمود: «چرا با آنها به عدالت رفتار نمی کنی؟»(۴)

به پدر و مادری که از گریه ها و بی تابی های کودک برمی آشوبند و طفل بی دفاع را به باد کتک می گیرند، می فرماید: «فرزندانتان را به خاطر گریه هایشان نزنید».

۱- [۱] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۵۸؛ المعجم الصغیر (طبرانی)، ج ۲، ص ۳۹.

۲- [۲] . تحفه الاحوذی، ج ۱۰، ص ۸۶؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۶۲؛ الشمائل المحمدیه، ص ۱۸۶؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۱۹۰.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۲؛ جامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۷۳؛ کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۴۴۴.

۴- [۴] . بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۳؛ نوادر، ص ۹۶.

نفرین کردن فرزندان را خوش نمی داشت و می فرمود: «هر مردی که فرزندش را نفرین کند، بینوا شود.»(۱)

«زمانی که به خردسالان وعده ای دادید، بدان وفا کنید. آنان شما را روزی دِه خود می پندارند».(۲)

«خداوند درباره چیزی به اندازه زن ها و بچه ها خشمگین نمی شود».(۳)

حضرت نماز ظهر و عصر را می خوانْد. دو رکعت پایانی را سریع خواند. چون نماز را سلام داد مردمان به او گفتند: «ای رسول خدا! آیا در نماز چیزی رخ داده است؟» پرسید: «چرا چنین می پرسید؟» گفتند: «دو رکعت آخر نماز را به شتاب خواندید.» به آنان فرمود: «آیا فریاد کودک را نشنیدید؟»(۴)

از کنار کودکان که می گذشت، به آنان سلام می کرد(۵) و می گفت: «تا پایان عمر این رفتار را ترک نخواهد کرد.»(۶)

می فرمود: «کودکان، گل های خوش‌بوی خداوندی اند.» آنها را در دامن خویش می نشانید و می بوسیدشان. بسیار می شد که بر دهانشان بوسه می زد و می فرمود: «فرزندانتان را بسیار ببوسید. برای هر بوسه تان در بهشت، مقامی است. حتی فرشتگانی می آیند و مرتبه هایی برایتان [در بهشت] به تعداد بوسه هایتان می نویسند».

بوی بچه ها را بویی بهشتی می دانست.(۷)

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۹۹.
۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۳؛ عده الداعی، ص ۷۵.
۳- [۳] . همان ها.
۴- [۴] . تهذیب الاحکام، ج ۳، ص۲۷۴.
۵- [۵] . المصنف، ج ۶، ص ۱۴۴.
۶- [۶] . سنن النبی، ص ۱۱۸.
۷- [۷] . روضه الواعظین، ص ۳۶۹؛ المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۲۱؛ مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۱۵۶.

ـعبـدالله، ـپسر عـامرـ مى گويـد: «من كودك بودم كه حضـرت به خانه ما آمـد. رفتم كه بازى كنم، مادرم صـدايم زد و گفت: عبـدالله، بيا تا چيزى به تو بدهم. پيامبر فرمود: چه مى خواهى به او بدهى؟ مادرم گفت: خرما. رسول گرامى فرمود: اگر به او نمى دادى، دروغ گو به شمار مى آمدى». (۱)

مى فرمود: «خانه اى كه در آن كودك نيست، بركت ندارد».

«كسى كه كودك گريانى را راضى و ساكت كند، آفريدگار آن‌قدر از بهشت بدو خواهد داد تا راضى شود».

به تأثير آراستن كودك در روز عيد در اينكه از كودكان آراسته ديگر خجالت نكشد، توجه داشت و مى فرمود: «كسى كه در روز عيد، كودكى را بيارايد، پروردگار در رستاخيز، او را مى آرايد».

«كسى كه هـديه اى را از بـازار براى كودكش ببرد، هماننـد كسـى است كه صـدقه اى را حمـل مى كنـد تـا آن را به مقصـد برساند».

«فردى كه كودك دارد، بايد با او كودكى كند». (۲)

نوزادان را مى آوردنـد تـا حضـرت برايشـان نـام بگـذارد يـا براى فرخنـدگى آنان دست به دعا بردارد. حضـرت كودك را در آغوش مى گرفت. در اين لحظه گاه

۱- [۱] . سنن ابى داود، ج ۲، ص ۴۷۵؛ عون المعبود، ج ۱۳، ص ۲۲۸؛ المصنف، ج ۶، ص ۱۲۴.

۲- [۲] . كنزالعمال، ج ۱۶، ص ۴۵۷؛ عوالى اللئالى، ج ۳، ص ۳۱۱؛ من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۸۳.

کودک لباسش را آلوده می کرد. والدین نوزاد بر سر او فریاد می کشیدند. پیامبر می فرمود: «بگذارید ادامه دهد.» حضرت پس از مراسم نیایش یا نام گذاری، جامه خود را می شست.(۱)

«سرکشی کودک در دوران کودکی، مایه افزونی عقل او در بزرگ سالی است».(۲)

پسران

می فرمود: «کسی که پسرش را شاد کند، گویا برده ای از تبار اسماعیل ـ پسر ابراهیم پیامبر ـ را آزاد کرده است. و کسی که [با کاری یا هدیه ای] پسرش را خوشحال کند، گویا از هراس خداوند گریسته است».

«هرگاه یکی از شما به پسرش وعده ای می دهد، باید آن را انجام دهد».(۳)

دختران

«خداوند بیامرزد پدر دختران را؛ دختران خجسته اند و دوست داشتنی...».(۴)

«هیچ خانه ای نیست که در آن دختران باشند، جز اینکه هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان بر آن فرود می آید و دیدار فرشتگان از خانه قطع نمی شود و هر روز و شب برای پدر آنان عبادت یک سال را می نویسند».(۵)

«چه خوب فرزندانی هستند دختران؛ نازک دل، مهیا برای کار، همدم، خجسته...».(۶)

«بهترین فرزندان شما، دخترانند».(۷)

۱- [۱] . سنن النبی، ص ۱۲۲.
۲- [۲] . وسائل الشیعه (چ اسلامیه)، ج ۱، ص ۴۴۶.
۳- [۳] . کشف الخفاء، ج ۲، ص ۵۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۰.
۴- [۴] . المستدرک (حاکم)، ج ۱، ص ۴۱۵؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۱۹۱.
۵- [۵] . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۹۲.
۶- [۶] . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۹۶.
۷- [۷] . اصول کافی، ج ۵، ص ۴۸؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۴۵؛ محاسن، ج ۲، ص ۶۳۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۳.

«از خوش قدمی زن این است که نخستین فرزندش دختر باشد!»(۱)

روزی بر فراز منبر رفت و پس از ستایش خداوند فرمود: «ای مردم! جبرئیل از سوی [خداوند] لطیف آگاه نزدم آمد و گفت: دوشیزگان، به سان میوه ها بر درخت اند. اگر میوه پخته شود، اما آن را نچینند، آفتاب آن را تباه می سازد و باد آن را می پراکند. همچنین اگر دوشیزگان به سنی رسند که آنچه را زنان [از مسائل جنسی] می فهمند دریابند، دارویی جز ازدواج برای آنان نیست. در غیر این صورت، از فاسد شدن آنان در امان مباشید؛ زیرا آنها انسانند(۲) [و در معرض لغزش]».

«کسی که دل دختری از خاندانش را به چیزی شاد کند، آفریدگار پیکرش را بر آتش [دوزخ] حرام می سازد».(۳)

«دادن هدیه باید از دختران آغاز شود. همانا پروردگار والا ـ با دختران و زنان مهربان تر است و کسی که با آنان مهربان تر باشد، به سانِ کسی است که از بیم خداوند والا گریسته است».(۴)

۱- [۱] . بحارالانوار ، ج ۶۱، ص ۱۱۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۷۳؛ محاسن، ج ۲، ص ۶۳۵؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲- [۲] . اصول کافی، ج ۵، ص ۳۳۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۸؛ روضه الواعظین، ص ۳۷۴.

۳- [۳] . مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۴.

۴- [۴] . بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۱۲؛ وسائل الشیعه (چ اسلامیه)، ج ۱۲، ص ۲۵.

«کسی که دختر یا زنی را شاد کند، پروردگار در روز هراس بزرگ [= رستاخیز]، او را شاد می گرداند».(۱)

«کسی که دختری داشته باشد و او را نیازارد و تحقیر نکند و پسرانش را بر او برتری ندهد، خداوند وارد بهشتش می کند».(۲)

اگر تولد دختری را به او خبر می دادند، می فرمود:«گُلی است و روزی‌اش با خداوند است».(۳)

«کسی که سه دختر داشته باشد و آنان را تربیت کند و شوهر دهد و با آنان به نیکی رفتار کند، پاداش وی بهشت است».(۴)

«با بانوان درباره دخترانشان شور کنید».(۵)

«دختران را ناخوش ندارید که آنان مایه اُنس هستند».(۶)

هرگاه می خواست دختری ... از خانواده خود را شوهر دهد، از پشت پرده او را مخاطب می ساخت و می فرمود: «فلانی از تو خواستگاری کرده است. اگر مایل نیستی،

۱- [۱] . همان.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۷.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۵.

۴- [۴] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۶۲۲؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۰۸؛ عون المعبود، ج ۱۴، ص ۳۸؛ کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۴۴۹.

۵- [۵] . اختلاف الحدیث، ص ۵۱۷؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۶۵؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۱۵۹؛ مسنداحمد، ج ۲، ص ۳۴.

۶- [۶] . الادب المفرد، ص ۲۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۱؛ المستدرک، ج ۴، ص ۱۷۸؛ مسنداحمد، ج ۱، ص ۳۶۳.

بگو نه؛ چون نه گفتن خجالت ندارد و اگر مایل هستی، همان سکوت تو به منزله قبول است».(۱)

کهن‌سالان

می فرمود: «احترام به پیرمرد [و پیرزن] مسلمان، بزرگداشت خداوند است».(۲)

جوانان را به احترام نهادن به کهن‌سالان تشویق می کرد و می فرمود: «هیچ جوانی، کهن‌سالی را به خاطر پیری اش گرامی نمی دارد، جز آنکه هنگام پیری خودش، خداوند کسی را برایش فراهم می کند که احترامش گذارد».(۳)

امام صادق(ع) فرمود: «روزی دو مرد نزد حضرت آمدند. یکی پیر و دیگری جوان. مرد جوان پیش از همراه کهن‌سالش لب به سخن گشود. پیامبر فرمود: [ابتدا] بزرگ‌[تر] و بزرگ‌[تر]».(۴)

خانواده ها را به احترام پیران فرامی خواند و می فرمود: «کهن‌سال در میان خاندانش، به سان پیامبر در میان امتش است.(۵) از ما نیست کسی که کهن‌سالان ما را احترام نکند». (۶)

۱- [۱] . تذکره الموضوعات، ص ۲۲؛ جامع الصغیر، ج ۱، ص ۵۶؛ کشف الخفاء، ج ۱، ص ۷۵؛ کنزالعمال، ج ۱۰، ص ۱۳۶.
۲- [۲] . اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۵؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۷؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۴۴.
۳- [۳] . سنن ترمذی، ج۳، ص۲۵۱؛ العمر و الشیب، ص۵۳؛ مشکاه الانوار، ص۲۹۳؛ المعجم الاوسط، ص۹۴.
۴- [۴] . مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۱۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۹۳؛ مشکاه الانوار، ص ۲۹۴.
۵- [۵] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۹۰؛ کنزالعمال، ج ۱۵، ص ۶۶۴؛ مشکاه الانوار، ص ۲۹۵.
۶- [۶] . اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۵؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۸؛ شرح الاخبار، ج ۲، ص ۴۸۸؛ عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۰۸.

خدمت‌کاران

پیامبر هیچ خدمت‌کاری را نفرین نکرد.(۱)

مردی نزد پیامبر آمد و پرسید: «ای فرستاده خدا، تا چه حد از اشتباهات خدمت‌کاران بگذریم؟» حضرت خاموش ماند و سپس فرمود: «هر روز هفتاد بار!»(۲)

هرگز در اعتراض به خدمت‌کارانش «اَه» نیز نگفت!(۳)

«آنچه از کار خدمت‌کارت سبک کنی، پاداشی برای تو در ترازویت در روز رستاخیز است.»(۴)

همیشه از خدمت‌کارش می پرسید: «کاری داری؟»(۵)

می فرمود: «غذاخوردن با خدمت‌کاران نشانه فروتنی است؛ کسی که با آنان هم‌سفره شود، بهشت آرزومند اوست».(۶)

وقتی خادم کسی غذایی می آورد که خود آن را تهیه کرده و دود آن را خورده است، باید وی را با خویشتن بنشاند و اگر چنین نمی کند، [دست کم] یک یا دو لقمه [از همان غذا] به او بدهد.(۷)

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۸؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲- [۲] . السنن الکبری، ج ۸، ص ۱۱.

۳- [۳] . ریاض الصالحین، ص ۶۴۵؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۷۶؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۱۹۸؛ سنن نسائی ، ج ۸، ص ۱۳۰؛ صحیح ابن حبان، ج ۷، ص۴۲۱؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۲۶۹؛ نصب الرایه، ج ۳، ص ۱۹۱ .

۴- [۴] . جامع الصغیر ، ج ۲، ص ۴۹۴؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۰، ص ۱۵۳؛ مسند أبی یعلی، ج ۳، ص۵۱؛ موارد الضمآن ، ص۲۹۳.

۵- [۵] . جامع الصغیر ، ج ۲، ص۳۵۸؛ کنزالعمال، ج ۷، ص ۱۳۸؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص۲۴۹؛ مسند احمد ، ج ۳، ص ۵۰۰.

۶- [۶] . بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۹۱؛ تذکره الموضوعات، ص ۱۹۱.

۷- [۷] . جامع الصغیر , ج ۱, ص ۵۶؛ ریاض الصالحین , ص ۵۴۳؛ شرح معانی الإثار , ج ۴, ص ۳۵۷؛ کشف الخفاء , ج ۱, ص ۶۹ ؛ صحیح بخاری, ج ۳, ص ۱۲۵؛ مسند ابن الجعد, ص ۴۷۸؛ مسند ابن راهویه , ج ۱, ص ۱۵۱؛ مسند احمد , ج ۱, ص ۴۴۶.

بیماران

بیماران را به خوردن و آشامیدن مجبور نمی کرد و دستور می داد چنین نکنند.(۱)

از بیمار در دورترین بخش شهر عیادت می کرد، گرچه بیماری اش چشم درد بود.(۲)

«از همه عبادت ها بهتر و پرپاداش تر آن است که [وقتی به عیادت می روی] زودتر از نزد بیمار برخیزی».(۳)

آفریدگار در روز رستاخیز می گوید: «آدمی‌زاد! بیمار شدم، مرا عیادت نکردی.» [آدمی] گوید: «خدایا، چگونه تو را که پروردگار جهانیانی عیادت کنم؟» یزدان پاسخ می دهد: «مگر نمی دانستی که فلان بنده ام بیمار بود و او را عیادت نکردی؟ مگر نمی دانستی که اگر او را عیادت می کردی، مرا نزد او می یافتی؟»...(۴)

«از آنکه تو را عیادت نمی کند، عیادت کن».(۵)

می فرمود: «هرگاه دین باور بیمار شود، آفریدگار فرشته ای بر او بگمارد تا در ایام بیماری اش تمام کارهای خیری را که در حال سلامتی انجام می داد، برایش بنویسند».(۶)

۱- [۱] . مسند الشهاب, ج ۲, ص ۸۸ .

۲- [۲] . فیض القدیر, ج ۵, ص ۱۴۳؛ کنزالعمال, ج ۷, ص ۹۴؛ معجم الکبیر, ج ۸, ص ۱۵۴.

۳- [۳] . تحفه الاحوذی, ج ۴, ص ۳۷؛ جامع الصغیر, ج ۱, ص ۱۹۲؛ کشف الخفاء, ج ۱, ص ۱۵۵؛ کنزالعمال , ج ۹, ص ۹۷.

۴- [۴] . بحارالانوار , ج ۶۴, ص ۱۵۶؛ الطرائف, ص ۳۲۳؛ شرح اصول کافی, ج ۹, ص ۱۹۴.

۵- [۵] . من لایحضره الفقیه , ج ۳, ص ۳۰۰.

۶- [۶] . اصول کافی, ج ۳, ص ۱۱۳.

مهمانان

مهمان را گرامی می داشت و می فرمود: «یکی از حقوق مهمان بر میزبان آن است که با او تا دم در برود».(۱)

اگر به مهمانی دادن تشویق می کرد، ابعاد دیگر را نیز درنظر می گرفت و می فرمود:

«خود را برای مهمان به زحمت نیفکنید؛ زیرا این کار سبب می شود او را دشمن بدارید و کسی که مهمان را دشمن بدارد، خداوند را دشمن می دارد و کسی که از خداوند نفرت داشته باشد، پروردگار [نیز] او را دشمن می دارد».

تا مهمان دست از خوردن نمی کشید، ایشان نیز دست از خوردن برنمی داشت.(۲)

محبوب ترین غذا نزد پروردگار را غذایی می دانست که دست های زیادی برای خوردن آن دراز می شوند.(۳)

می فرمود: «کسی که مهمانی نمی دهد، خیری در او نیست».(۴)

«از کم خردی انسان آن است که مهمان خویش را به خدمت گیرد و به کار وادارد».(۵)

ص:۵۳

۱- [۱] . بحارالانوار, ج ۷۲, ص ۴۵۱؛ عیون اخبارالرضا, ج ۱, ص ۷۵.
۲- [۲] . اصول کافی، ج ۶، ص ۲۸۶؛ حلیه الابرار، ج ۱، ص ۳۹۶؛ مسائل علی بن جعفر، ص ۳۴۱.
۳- [۳] . جامع الصغیر، ج ۱، ص۳۸؛ العهود المحمدیه، ص ۳۷۳؛ کشف الخفاء، ج ۱، ص ۵۲.
۴- [۴] . مجمع الزوائد، ج ۸، ص۱۷۵.
۵- [۵] . جامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۰؛ کنزالعمال، ج ۹، ص ۲۴۸.

همسایگان

بـا توجه به نقش بسـیار مهم همسـایه در آرامش روانی یا اضـطراب آدمی، مردم را به نقش مهم همسایگی توجه می داد و می فرمود: «پیش از خرید خانه، همسایه[نیک] بجویید».(۱)

«هماره جبرئیل درباره همسایه سـفارش می کرد تا بدان‌جا که گمان کردم همسایه به زودی میراث بر خواهد شد. کسـی که به پروردگار و روز رستاخیز باور دارد، همسایه اش را نیازارد».

نیـازردن همسـایه را تـا بـدانجا گسترش داد که فرمود: «اگر سگ همسایه ات را بزنی، همسایه ات را آزرده ای.»(۲) و در نبرد تبوک فرمود: «کسی که همسایه اش را می آزارد، همراه ما نیاید!»

بـدو گفتنـد: «فلان خانم روزها روزه می دارد و شب ها برای نیایش به پا می ایسـتد و در راه خـدا انفاق می کند، ولی همسایه اش را با زبانش [نه در حد عملی] می آزارد.» فرمود: «خیری در او نیست و از دوزخیان است!»

گفتند: «خانم دیگری است که تنها نمازهای واجبش را می خواند و تنها ماه مبارک رمضان روزه می دارد، ولی همسایه اش را نمی آزارد.» فرمود: «او از بهشتیان است».(۳)

۱- [۱] . جامع الصـغیر، ج ۱، ص ۲۳۷؛ مسند الشهاب، ج ۱، ص ۴۱۲؛ مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۱۶۴؛ معجم الکبیر، ج ۴، ص ۲۶۹.

۲- [۲] . مستدرک الوسائل، ج ۸، ص۴۲۳.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۶۸، ص۳۹۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۳؛ کنزالعمال، ج ۹، ص۱۸۷؛ مشکاه الانوار، ص ۳۷۵.

روزی از یارانش پرسید: «آیا می دانید حق همسایه چیست؟ جز اندکی از آن را نمی دانید؛ آگاه باشید کسی که همسایه اش از گزند او در امان نباشد، به آفریدگار و قیامت ایمان ندارد. حق همسایه بر آدمی این است:

اگر همسایه اش از او پول طلبید، [در صورت امکان] به او وام دهد؛

اگر به همسایه اش نیکی رسید، به او تبریک بگوید؛

اگر به همسایه اش گزندی رسد، دلداری اش دهد؛

اگر میوه ای می خرد، به او هدیه دهد و اگر به رایگان چیزی نمی بخشد، پس آن را پنهانی به خانه خویش برد؛

خانه اش را چنان بلند نسازد که مانع عبور باد و نسیم شود، مگر با اجازه او؛

به فرزندش چیزی ندهد که بچه های همسایه [به خاطر محرومیت از آن چیز غمگین و] خشمگین شوند».

سپس فرمود: «همسایه ها سه دسته اند: دسته اول سه حق دارد: حق مسلمان بودن، حق همسایگی و حق خویشاوندی؛ دسته دوم دو حق دارد: حق اسلامی و حق همسایگی؛ گروه سوم نیز همسایگان کافرند که تنها از حق همسایگی برخوردارند».(1)

خوش همسایگی را سبب افزایش درآمد و عمران و آبادی روستاها و شهرها می دانست و می فرمود: « ... همسایه خوب بودن سبب افزونی رزق و سامان یافتن و آباد شدن شهرها و سرزمین ها [و در روایتی دیگر: دنیا] می شود».

ص:55

1- [1] . روضه الواعظین، ص ۳۸۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص۴۲۴؛ مشکاه الانوار، ص۳۷۳.

می فرمود: «اگر دو همسایه [همزمان] مرا دعوت کنند، دعوت کسی را می پذیرم که خانه اش نزدیک تر است؛ زیرا او به همسایگی نزدیک تر است و اگر یکی زودتر مرا دعوت کند، دعوت او را می پذیرم».(۱)

آزار همسایگان را امری طبیعی می پنداشت و می فرمود: «تا روز رستاخیز، هرجا مؤمنی وجود داشته باشد، همسایه ای هم خواهد بود که او را آزار دهد».(۲)

تا چهل خانه از هر طرف را همسایه اعلام کرد.(۳)

«همسایه را گرامی بدار، گرچه کافر باشد».

«احترام همسایه، همانند احترام مادر است!»(۴)

«وقتی کسی می خواهد مِلک خویش را بفروشد، باید نخست به همسایه خویش پیشنهاد دهد».(۵)

«کسان و همسایگان دانشمند، از همه مردم به او بی رغبت ترند».

خویشاوندان

بر دسته شمشیرش نوشته شده بود: «با کسی که پیوند [خویشاوندی را] از تو گسسته است، بپیوند ...».(۶)

ص:۵۶

۱- [۱] . سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۹۹؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۴۰۸.

۲- [۲] . مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۳.

۳- [۳] . اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۶؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۲؛ مشکاه الانوار، ص ۳۷۶.

۴- [۴] . بحارالانوار، ج ۱۹، ص۱۶۸؛ شرح اصول کافی، ج ۱۱، ص ۱۵۱.

۵- [۵] . جامع الصغیر، ج ۱، ص ۶۶.

۶- [۶] . شرح اصول کافی (مازندرانی)، ج ۹، ص ۲۰۲.

می فرمود: «کسی که پیوند خویشاوندی گسسته است، با ما هم‌نشین نشود؛ چرا که لطف [خداوندی] بر گروهی که میان آنان قطع رحم است، فرود نمی آید».(۱)

جابربن عبدالله می گوید: «رسول گرامی از کنار ما عبور کرد ... و فرمود: ای مسلمانان! از خداوند پروا پیشه کنید و با خویشان پیوند برقرار کنید ... همانا بوی بهشت از فاصله هزار سال راه استشمام می شود، ولی کسی که پیوند خویشی بگسلد، آن را استشمام نمی کند».(۲)

با خویشاوندان خود می پیوست، بی‌آنکه آنان را بی جهت بر دیگران برتری دهد.

با همه تأکیدی که بر پیوند خویشاوندی داشت، مرزهای ارزش را در هم نمی شکست. می‌فرمود: «هرگاه یکی از شما می خواهد محرمی _ همانند خواهر، عمه یا خاله اش _ را که به بلوغ رسیده است، ببوسد، باید بر سر یا میان چشمانش بوسه زند و لب ها یا گونه هایش را نبوسد».(۳)

با همه سفارشی که درباره خویشاوندان می کرد، همگان را از ازدواج با خویشاوندان نزدیک باز می داشت و می فرمود: «فرزندتان رنجور خواهد شد».(۴)

در سخنی دیگر نیز فرمود: «از غیرخویشاوند همسر برگزینید تا فرزندتان رنجور نشود.»(۵)

۱- [۱] . مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۲۰۶؛ مشکاه الانوار، ص ۲۹۰.

۲- [۲] . مجمع الزوائد، ج ۸، ص۱۴۹.

۳- [۳] . بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۴۲؛ نوادر، ص ۱۳۶.

۴- [۴] . بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۹۵.

۵- [۵] . دعائم الاسلام، ج ۲, ص ۶۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۷۴.

«کسی که به سوی خویشاوندی می رود تا با مال و جانش با او پیوند برقرار کند، آفریدگار والا، پاداش صد شهید را به وی عطا فرماید و برای هر گامش چهل هزار پاداش نویسد و چهل هزار گناه [شخصی] از وی بزداید و به همین مقدار بر درجه اش بیفزاید؛ گویا صد سال صبورانه خداوند را عبادت کرده است».(۱)

«نیکوکاری و پیوند [با خویشان]، عمرها را طولانی، شهرها را آباد و دارایی را زیاد می کند؛ گرچه انجام دهندگان آن بدکاران باشند».

«با خویشان دوستی کنید، [اما] همسایه شان نشوید که همسایگی [و اصطکاک های طبیعی] میان شما کینه ها پدید می آورد».(۲)

برای پیوند خویشاوندی می فرمود: «بهترین صدقه ها آن است که به خویشاوندی که دشمن توست، چیزی بدهی».(۳)

تذکر

در کتاب‌نامه بخش عربی نواقصی دیده می شود که مربوط به ناشران عرب یا برنامه نویسان سی دی «معجم فقهی» است و تلاش نویسنده در دستیابی به شناسنامه کامل کتاب ها به جایی نرسیده است. همچنین هرجا به مکارم‌الاخلاق ارجاع داده شده، منظور مکارم الاخلاق شیخ طبرسی است، نه مکارم‌الاخلاق ابن ابی الدنیا. گاهی نیز نام یک کتاب، مشترک میان نویسندگان مختلف است. در این

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶.

۲- [۲] . تذکره الموضوعات، ص ۲۰۳؛ جامع الصغیر، ج ۲، ص ۹۵؛ کنزالعمال، ج ۳، ص ۳۵۹.

۳- [۳] . اصول کافی، ج ۴، ص ۱۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۰۶؛ ثواب الاعمال، ص ۱۴۲؛ روضه الواعظین، ص۳۵۷.

صورت، نام نویسنده کتابِ مقصود را داخل پرانتز آورده ایم تا آشکار شود کدام‌یک از آن کتاب ها مورد نظر ماست.

ص:۵۹

کتابنامه

الف) فارسی

۱. ابن یعقوب، احمد (ابن واضح یعقوبی)، _تاریخ یعقوبی_، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران, شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم, ۱۳۷۱.

۲. اتابکی، پرویز، _فرهنگ جامع کاربردی عربی ـ فارسی فرزان_، نشر فرزان، تهران, چاپ اول, ۱۳۷۸.

۳. دلشاد تهرانی، مصطفی، _سیره نبوی_ (منطق عملی - دفتر دوم: سیره اجتماعی)، تهران, سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۴. رازی، فریده، _فرهنگ واژه های فارسی سره برای واژه های عربی در فارسی معاصر_، تهران, نشر مرکز، چاپ دوم, ۱۳۷۲.

۵. رجب زاده، رضا، _نگاهی دوباره به سیمای پیامبر_، انتشارات رستگار، ۱۳۷۴.

۶. رضی، شریف، _نهج البلاغه_، ترجمه: محمد دشتی، قم, مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، چاپ اول, ۱۳۷۹.

۷. قمی، عباس، _توتیای دیدگان_، زندگانی خاتم پیامبران_، (ترجمه کحل البصر فی سیره سید البشر،) ترجمه: هوشنگ اُجاقی و جواد قیومی، تهران, نشر آفاق، چاپ اول, ۱۳۷۵.

۸. قمی، عباس، _منتهی الآمال_، قم, انتشارات هجرت، چاپ ششم ۱۳۷۱.

۹. مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی، _طبیعت و کشاورزی از دیدگاه اسلام_، تهران, مؤسسه شقایق روستا، چاپ اول, ۱۳۸۲.

۱۰. ناجی جزایری، سید هاشم، _حمایت از حیوانات در اسلام_، قم, دارالثقلین، ۱۳۷۹.

۱۱. نقیب پور، سیده علیه، _بنیاد شناختی سیمای نبوی از منظر امام علی(ع)_، قم, انتشارات وثوق، چاپ اول, زمستان ۱۳۷۹.

ص:۶۰

ب) عربی

۱. أبوغدّه، دکتور حسن، _قطوف نبویّـه للنّساء_، ریاض, مکتبـه العبیکان، الطبعـه الاولی, ۱۴۱۷هـ . ق / ۱۹۹۷م.

۲. آلبانی، محمدناصر، _ارواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل_، التحقیق: زهیرالشّاویش، بیروت, المکتب الاسلامی، الطبعـه الثانیـه, ۱۴۰۵هـ .ق / ۱۹۸۵م.

۳. ابراهیم، محمد أبوالفضل (محقّق)، _شرح نهج البلاغـه ابن أبی الحدید_، داراحیاء الکتب العربیـه.

۴. ابن أبی الدنیا بغدادی، عبدالله بن محمدبن عبید، _الرّضا عن الله بقضائه_، التحقیق: ضیاء الحسن السلفی، بومبای, دارالسلفیـه، الطبعـه الاولی, ۱۴۱۰هـ . ق.

۵. ابن أبی الدنیا، الحافظ ابی بکر عبدالله بن عبید، _مکارم الاخلاق_، التحقیق: مجدی السّید ابراهیم، مکتبـه القرآن.

۶. ابن أبی بکر هیثمی، نورالدین علی، _بغیـه الباحث عن زوائد مسندالحارث_، التحقیق: مسعد عبدالحمید محمد السعدنی، دار الطلائع.

۷. ابن أبی دنیا، عبدالله بن محمد بن عید، _العمر و الشیب_، التحقیق: د. نجم عبدالله الخلف، الریاض, مکتبـه الرشد، الطبعـه الاولی, ۱۴۱۲هـ . ق.

۸. ابن ابی الدنیا، حافظ أبی بکر عبدالله بن عبید، _الشّکر لله عزّوجلّ_، التحقیق: یاسین محمد السواس _ عبدالقادر الارناؤوط، دار ابن کثیر، الطبعـه الثانیـه ۱۴۰۷هـ . ق / ۱۹۸۷م.

۹. ابن ادریس الشافعی، _الامام محمد_، اختلاف الحدیث.

۱۰. اسمعیل بخاری، محمد، الادب المفرد، التحقیق: محمدفؤاد عبدالباقی، مؤسسـه الکتب الثقافیـه، الطبعـه الثالثـه, ۱۴۰۹هـ . ق / ۱۹۸۹م.

۱۱. ابن شرف النووی الدمشقی، _یحیی_، الاذکار النوویـه، دارالفکر.

۱۲. ابن عبدالرحمن بن خلاد رامهرمزی، ابوالحسن، _أمثال الحدیث المرویـه عن النبی_، التحقیق: أحمد عبدالفتاح تمام، بیروت, مؤسسـۀ الکتب الثّقافیـه، الطبعـه الاولی, ۱۴۰۹هـ . ق.

۱۳. ابن عبدالرحمن بن عمر وصابی حبشیی، أبی عبدالله محمد، _البرکـه فی فضل السّعی و الحرکـه_، بیروت, دارالمعرفـه، ۱۴۱۴هـ . ق / ۱۹۹۳م.

۱۴. ابن مسلم بن قتیبه، امام أبی محمد عبدالله، _تأویل مختلف الحدیث_، التحقیق: الشیخ اسماعیل الاسعردی، بیروت,

دارالکتب العلمی_ه.

ص:۶۱

۱. ابن موسی جعفر بن طاووس، سید رضی الدین محمد، _اقبال الاعمال_، المحقق: جواد القیّومی الاصفهانی، مکتب الاعلام الاسلامی، الطبع_ه الاولی, ۱۴۱۴ه_ . ق.

۲. ابن هندی فتنی، محمد طاهر، تذکره الموضوعات.

۳. ابن أبی الـدنیا، أبی بکر، _حسن الظّنّ بالله_، تحقیق: مخلص محمد، الریاض, دار الطّیب_ه، الطبع_ه الثانی_ه ۱۴۰۸ه_ . ق / ۱۹۸۸ م.

۴. ابن أبی العـاصم، _الاحـاد والمثانی_، التحقیق: باسم فیصل احمـد الجوابره، دارالـدرای_ه، الطبع_ه الاولی, ۱۴۱۱ ه_ . ق / ۱۹۹۱م.

۵. ابن الجوزی، امام أبی الفرج عبدالرحمن، _الوفا بأحوال المصطفی_، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، دارالکتب الحدیثی_ه.

۶. ابن حنبل، امام احمد، _مسند أحمد_، بیروت, دار صادر.

۷. ابن شهر آشوب، _مناقب آل ابی طالب_، التحقیق: لجن_ه من اساتذه النجف الاشرف.

۸. ابن عبـدالغفاربن فیض أبومطیع السّـندی، عطـاءالله (جمع و ترتیب)، _الاـربعون فی التّبسّم و الضـحک_، بیروت, دارالجیـل، الطبع_ه الثانی_ه ۱۴۱۴ه_ . ق / ۱۹۹۴م.

۹. ابن محمـد قرشـی، عبـدالله، _الاعتبـار و أعقاب السـرور و الاحزان_، التحقیق: د. نجم عبـدالرحمن خلف، عمان, دارالبشـیر، الطبع_ه الاولی ۱۴۱۳ه_ . ق/ ۱۹۹۳م.

۱۰. ابن موسـی جعفربن طاووس، سید علی، _الامانِ من اخطارالاسفار والازمان_، تحقیق و نشر: مؤسس_ه آل البیت، الطبع_ه الاولی, ۱۴۰۹ه_ . ق.

۱۱. ابوشـهب_ۀ، دکتـور محمـد بن محمـد، _السـیره النبـویّ_ه فی ضـوء القرآن والسّنّ_ه___ _(دراس_ه محرّره جمعت بین اصال_ۀ القدیم و جدّه الحدیث)، دمشق, دارالقلم، الطبع_ه الثانی_ه, ۱۴۱۲ه_ . ق / ۱۹۹۲م.

۱۲. ابوغـدّه، عبـدالفتاح، _الرّسول المعلّم_، _و اسـالیبه فی التعلیم_، بیروت, مکتب المطبوعـات الاسـلامی_ه بحلب، الطبع_ه الاولی, ۱۴۱۷ه_ . ق / ۱۹۹۶م.

۱۳. ابی محمد، عبد بن حمید، _المنتخب من مسـند عبدبن حمید_، التحقیق: السید صبحی البدری السامرائی _ محمود محمد خلیل الصعیدی، مکتب_ه النهض_ه العربی_ه، الطبع_ه الاولی, ۱۴۰۸ ه_ . ق / ۱۹۸۸م.

۱. احسائی، ابن أبی جمهور، ـعوالی اللئالیـ، التحقیق: السیدمرعشی والشیخ مجتبی العراقی، الطبعـه الاولی, ۱۴۰۳هـ. ق / ۱۹۸۳م.

۲. احمد، ابن عبدالعزیز بن قاسم حدّاد، ـاخلاق النبیـــ فی القرآن و السّنّـهـ، دارالغرب الاسلامی، الطبعـه الاولی ۱۹۹۶م، بیروت.

۳. اسکافی، محمد بن همام، ـالتمحیصـ، التحقیق: مدرسـه الامام المهدی، قم, مؤسسـه الامام المهدی.

۴. اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی، ـالنّوادر الاشعریـ، التحقیق: مدرسـه الامام المهدی بقم المقدسـه، قم, مؤسسـه مدرسـه الامام المهدی بقم المقدسـۀ، الطبعـۀ الاولی, ۱۴۰۸هـ. ق.

۵. بحرانی، سیدهاشم، ـحلیـه الابرارـ، تحقیق: الشیخ غلام‌رضا مولانا البحرانی، مؤسسـه المعارف الاسلامیـه، الطبعـه الاولی, ۱۴۱۱هـ. ق.

۶. بحرانی، کمال الدین میثم بن علی، ـشرح کلمات أمیرالمؤمنین علیـ، تحقیق و نشر: میرجلال الدین الحسینی الارموی المحدّث، ۲۲ محرم ۱۳۹۰هـ. ق.

۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، ـصحیح بخاریـ، بیروت, دارالفکر.

۸. بدری، سید سامی، ـالسیره النبویّـهـ (تدوین مختصر مع تحقیقات و اثارات جدیده)، قم, الطبعـه الاولی, ۱۴۲۰هـ.ق.

۹. برجلانی، محمد بن الحسین، ـالکرم و الجود و سخاء النفوسـ، التحقیق: د. عامرحسن صبری، دارابن حزم، الطبعـه الثانیـه, ۱۴۲۰هـ. ق.

۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ـالمحاسنـ، التحقیق: السید جلال الدین الحسینی، دارالکتب الاسلامیـه.

۱۱. بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، ـالسنن الکبریـ، دارالفکر.

۱۲. بیهقی، احمد بن حسین، ـفضائل الاوقاتـ، التحقیق: عدنان عبدالرحمن مجید القیسی، مکـه المکرّمه, مکتبـه المناره، الطبعـه الاولی, ۱۴۱۰هـ. ق.

۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، ـالشمائل المحمدیـه والخصائل المصطفویـهـ، تحقیق: سیدعباس الجلیمی، بیروت, مؤسسـۀ الکتب الثقافیـه.

۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی، ـسنن ترمذیـ، التحقیق: عبدالرحمن محمدعثمان، دارالفکر، الطبعـه الثانیـه.

۱۵. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، ـشرح الاخیار فی فضائل الائمـه الاطهارـ، التحقیق: السیدمحمد الحسینی الجلالی،

مؤسســۀ النشر الاسلامی التابعــه لجماعــه المدرسین بقم المشرّفــۀ.

ص:۶۳

۱. تمیمی مغربی، نعمان بن محمدبن منصوربن احمدبن حیون، ـدعائم الاسلامـ، التحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، دارالمعارف، ۱۳۸۳هـ . ق / ۱۹۶۳م.

۲. تمیمی، احمد بن علی بن المثنی، ـمسند أبی یعلی الموصلیـ، التحقیق: حسین سلیم أسد، دارالمأمون للتّراث.

۳. تنوخی، قاضی أبی علی الحسن بن ابی القاسم، ـالفرج بعد الشّدّهـ، قم, منشورات الشریف الرضی، الطبعـه الثانیـه, ۱۳۶۴هـ . ش.

۴. تیمی اصبهانی، اسماعیل بن محمدبن افضل، ـدلائل النبوهـ، التحقیق: محمدمحمد الحداد، ریاض, دارالطّیبـه، الطبعـه الاولی ۱۴۰۹هـ . ق.

۵. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، ـالغاراتـ، التحقیق: السید جلال الدین محدث.

۶. جعفری، احمد بن علی بن محمد، ـجزء ابن عمشلیقـ، التحقیق: خالدبن محمدبن علی الانصاری، بیروت, دار ابن الحزم, الطبعـه الاولی ۱۴۱۶ هـ . ق.

۷. جوهری، علی بن الجعد بن عبید، ـمسند ابن جعدـ، التحقیق: ابی القاسم عبدالله بن محمدالبغوی ـ عامر احمد حیدر, بیروت, دارالکتب العلمیـه.

۸. حاکم نیسابوری، محمد بن محمد، ـمستدرک الحاکمـ، التحقیق: الدکتور یوسف المرعشی، بیروت, دارالمعرفـه، ۱۴۰۶هـ . ق.

۹. حر، عاملی، ـالفصول المهمّه فی اصول الائمـهـ، تحقیق: محمدبن محمدحسین القائینی، مؤسسـه معارف اسلامی امام رضا، الطبعـه الاولی, ۱۴۱۸ هـ . ق.

۱۰. حر، عاملی، ـتفصیل وسائل الشیعـه الی تحصیل مسائل الشریعـهـ، التحقیق: الشیخ عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت, داراحیاء التراث العربی.

۱۱. حرانی، ابن شعبـۀ، ـتحف العقول عن آل الرسولـ، التحقیق: علی اکبر الغفاری، قم, مؤسسـۀ النشر الاسلامی لجماعـۀ المدرسین، الطبعـه الثانیـه, ۱۴۰۴ هـ . ق / ۱۳۶۳ هـ . ش.

۱۲. حسینی صدر، سیدعلی، ـوصایا الرّسول لزوج البتولـ، قم, دراسـه مشروحـه جامعـه فی وصایا سیّد المرسلین لامیرالمؤمنین، دار الامام الرضا، الطبعـۀ الاولی ۱۴۲۱هـ . ق.

۱۳. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، ـنزهـه الناظر وتنبیه الخاطرـ، تحقیق: مدرسـۀ الامام المهدی، قم, الناشر: مدرسـۀ الامام المهدی، الطبعـه الاولی ۱۴۰۸هـ . ق.

۱۴. حلّی، احمد بن فهد، _عده الداعی ونجاح السّاعی_، تحقیق: احمد الموحدی القمی، قم, مکتب_ه الوجدانی.

۱۵. حلّی، محمد بن ادریس، _مستطرفات السرائر_، التحقیق: لجن_هٔ التحقیق، قم, الطبع_ه الثانی_ه ۱۴۱۱ه_ . ق، جامع_ه المدرسین.

ص:۶۴

۱. حمیـدی، ابی بکر عبـدالله بن الزبیری، _مسـند الحمیـدی_، التحقیـق: حـبیب الرحمن العظمی، بیروت, دارالکتب العلمی_ه، الطبع_ه الاولی ۱۴۰۹ه_ . ق / ۱۹۸۸م.

۲. حمیری بغـدادی، ابوالفضل عبدالله، _قرب الاسـناد_، التحقیق: مؤسـس_ه آل البیت لاحیاء التراث، قم, مؤسـس_ه آل البیت لاحیاء التراث، الطبع_ه الاولی, ۱۴۱۳ه_ . ق.

۳. حنبلی، ابـوالفرج عبـدالرحمن بـن احمـد بـن رجـب، _التخویـف من النّار و التعریـف بحـال دار البـوار_، دمشق, مکتب_ه دارالبیان، الطبع_ه الاولی, ۱۳۹۹ ه_ . ق.

۴. حنطلی مروزی، اسحاق بن ابراهیم بن مخلد، _مسند ابن راهویه_، التحقیق: الدکتور عبدالغفور عبدالحق حسین برد البلوسی، المدین_ه المنوّره, مکتب_ه الایمان، الطبع_ه الاولی, ۱۴۱۲ه_ . ق / ۱۹۹۱م.

۵. حوفی، دکتور احمد محمد، _من أخلاق النبی_، دار نهض_ه مصر للطّبع والنّشر.

۶. خیثم_ۀ بن سلیمان بن حیدره، _من حدیث خیثم_ه بن سلیمان القرشی الاطرابلسی_، التحقیق: د. عمرعبدالسلام تدمری، بیروت, دارالکتاب العربی، الطبع_ه۱۴۰۰ه_ . ق.

۷. دارقطنی، علی بـن عمر، _سـنن الـدارقطنی_، التحقیـق: مجـدی بـن منصـور بـن سـیدالشوری، بیروت, دارالکتب العلمی_ه، الطبع_ه الاولی ۱۴۱۷ه_ . ق / ۱۹۹۶م.

۸. دارمی، عبدالله بهرام، _سنن دارمی_، دمشق, مطبع_ه الاعتدال.

۹. داماد، محقق، _اثنا عشره رسال_ه (شارع النجاه و عیون المسائل)_، مکتب_ه السیّد الداماد.

۱۰. راوندی، ضیاءالدین ابن الرّضا فضل بن علی الحسـنی، _النّوادر_، تحقیق: سـعیدرضا علی عسـکری، دارالحدیث، الطبع_ه الاولی ۱۴۰۷ه_ . ق.

۱۱. راوندی، قطب الدین، _الخرائج و الجرائح_، تحقیق: مؤسس_ه الامام المهدی، قم, مؤسس_ه الامام المهدی.

۱۲. رضی، شریف، _المَجازات النّبویّ_ه_، التحقیق: طه محمد الزینی، قم, مکتب_ه بصیرتی.

۱۳. زرنـدی حنفی، جمال الدین محمد بن یوسف بن الحسن بن محمد، _نظم درر السـمطین فی فضائل المصـطفی والمرتضـی والبتول والسبطین_، الطبعه الاولی ۱۳۷۷ه_ . ق / ۱۹۵۸م.

۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، _الفائق فی غریب الحدیث_، بیروت, دارالکتب العلمی_ه، الطبع_ه الاولی, ۱۴۱۷ه_ . ق.

۱۵. زّواوی، ربیع عبدالرؤوف، _وصف الرّسول کانّک تراه_، الدوحه, دارالثقاف_ه، الطبع_ه الثانی_ه ۱۴۱۷ ه_ . ق / ۱۹۹۷م.

۱. زیعلی، جمال الدین، _نصب الرّای_ه لاحادیث الهدای_ه_، التحقیق: أیمن صالح شعبانی، قاهره, دارالحدیث، الطبع_ه الاولی ۱۴۱۵ه_. ق / ۱۹۹۵م.

۲. سجستانی، سلیمان بن اشعث، _سنن ابوداود_، التحقیق: محمدسعید اللحام، بیروت, دارالفکر.

۳. سراج الدین، عبدالله، _سیّدنا محمد رسول الله_، _شمائله الحمیده، خصاله المجیده_، حلب, مکتب_ه دارالفلاح، الطبع_ه السادس_ه ۱۴۱۰ه_. ق / ۱۹۹۰م.

۴. سلمی النیسابوری، أبی بکر محمدبن اسحاق بن خزیمه، _صحیح ابن خزیم_ه_، التحقیق: دکتور محمدمصطفی الاعظمی، المکتب الاسلامی، الطبع_ه الثانی_ه, ۱۴۱۲ ه_. ق.

۵. سلیم، عمرو عبدالمنعم، _آداب الخطب_ه والزفاف فی السّنّ_ه المطهره و معه بحث مهم فی جواز تحلّی النّساء بالذهب المحلق_، ریاض, دارالضیاء، الطبع_ه الاولی, ۱۴۲۱ ه_. ق / ۲۰۰۰ م.

۶. سیوطی، امام جلال الدین عبدالرحمن بن أبی بکر، _الشمائل الشّریف_ه_، و شرحها للامام المناوی زین الدین محمدمحمد عبدالرّؤوف بن تاج العارفین المناوی، شرک_ه دارالعلم للطباع_ۀ والنشر، الطبع_ۀ الاولی, ۱۴۱۲ه_. ق / ۱۹۹۱م.

۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن أبی بکر، _الجامع الصغیر_، بیروت, دارالفکر، الطبع_ه الاولی ۱۴۱۰ه_. ق.

۸. سیوطی، عبدالرحمن، _اسباب الورود الحدیث أو اللمع فی اسباب الحدیث_، دارالمفکّر، الطبع_ه الاولی, ۱۴۱۶ ه_. ق.

۹. شافعی، امام، _کتاب المسند_، التحقیق: مطبع_ه بولاق الامیری_ه والنسخ_ه المطبوع_ه فی بلاد الهند، بیروت, دارالکتب العلمی_ه.

۱۰. شعرانی، سید عبدالوهاب، _لواقح الانوار القدسین فی بیان عهود المحمدی_ه_، الناشر: مصطفی البابی الحلبی واولاده، الطبع_ه الثانی_ۀ, ۱۳۹۳ ه_. ق.

۱۱. شهید ثانی، _مسکّن الفؤاد عند فقد الاحبّ_ه والاولاد_، التحقیق: قم, مؤسس_ه آل البیت لاحیاء التراث، مؤسس_ۀ آل البیت لاحیاء التراث، الطبع_ه الاولی, ۱۴۰۷ه_. ق.

۱۲. شهید ثانی، _منی_ه المرید فی ادب المفید والمستفید_، التحقیق: رضا المختاری، قم, مکتب الاعلام الاسلامی، الطبع_ه الاولی, ۱۴۰۹ه_. ق / ۱۳۶۸ه_. ش.

۱. شیخ صدوق، _الخصال_، التحقیق: علی اکبر غفاری، قم, جماع_ۀ المدرسین فی الحوزه العلمی_ه.

۲. شیخ صدوق، _ثواب الاعمال_، قم, منشورات الرّضی، الطبع_ه الثانی_ه ۱۳۶۸ه_ . ش.

۳. شیخ صدوق، _علل الشرائع_، المکتب_ه الحیدری_ه ۱۳۸۶ه_ . ق / ۱۹۶۶م.

۴. شیخ صدوق، _کمال الدین و تمام النعم_ه_، التحقیق: صحّحه وعلّق علیه: علی اکبر الغفاری، قم, مؤسس_ه النشر الاسلامی التابع_ه لجماع_ه المدرسین.

۵. شیخ صدوق، _معانی الاخبار_، التحقیق: علی اکبر الغفاری، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ه_ . ش.

۶. شیخ صدوق، _من لایحضره الفقیه_، التحقیق: علی اکبر غفّاری، جامع_ه المدرسین، الطبع_ه الثانی_ه, ۱۴۰۴ ه_ . ق.

۷. شیخ طِّبْرَسی، ابی نصر الحسن بن الفضل، _مکارم الاخلاق_، تحقیق: علاء آل جعفر، مؤسس_ه النّشر الاسلامی التابع_ه لجماع_ه المدرسین بقم المقدّس_ه، قم, الطبع_ه الاولی ۱۴۱۴ه_ . ق.

۸. شیخ طوسی، _الاستبصار_، التحقیق: السیدحسن الخرسان، تصحیح: الشیخ محمد الآخوندی، دارالکتب الاسلامی_ه.

۹. شیخ طوسی، _تهذیب الاحکام_، التحقیق: السیدحسن الخرسان، تصحیح: الشیخ محمد الآخوندی، دارالکتب الاسلامی_ه، الطبع_ه الرّابع_ه ۱۳۶۵ ه_ . ش.

۱۰. شیخ، صّیدوق، _عیون أخبار الرضا_، التحقیق: الشیخ حسین الاعلمی، بیروت, مؤسس_ه الاعلمی للمطبوعات، الطبع_ه الاولی.

۱۱. شیروانی، مولی حیدر علی بن محمد، _ما رواه العامّه من مناقب اهل البیت_، تحقیق: شیخ محمد حسّون، الطبع_ه المنشورات الاسلامی_ه، الطبع_ه ۱۴۱۴ ه_ . ق.

۱۲. ضحّاک، عمر بن أبی عاصم، _کتاب السّنّ_ه_، التحقیق: محمد ناصرالدین الالبانی، بیروت, المکتب الاسلامی, الطبع_ه الثالث_ه, ۱۴۱۳ه_ . ق / ۱۹۹۳م.

۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، _سنن النبی_، مع ملحقات ... محمدهادی الفقهی، قم, مؤسس_ه النشر الاسلامی، الطبع_ه الثانی_ه ۱۴۲۲ه_ . ق.

۱۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، _کتاب الدعاء_، التحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمی_ه، الطبع_ه الاولی, ۱۴۱۳ه_ . ق.

۱۵. طبرسی، ابوالفضل علی، _مشکاه الانوار فی غرر الاخبار_، قدّم له: صالح الجعفری، مکتب_ه الحیدری_ه فی النجف،

الطبعـه الثانیـه, ۱۳۸۵ه_ . ق / ۱۹۶۵م.

ص:۶۷

۱. طبری امامی، محمد بن جریر بن رستم، _المسترشد فی امامـه أمیرالمؤمنین_، التحقیق: الشیخ احمد المحمودی، مؤسسـه الثقافـه الاسلامیـه لکوشانبور، الطبعـه الاولی.

۲. طبری، ابی جعفر محمدبن جریربن رستم، _دلائل الامامـه_، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیـه مؤسسـه البعثـه، قم، الطبعـه الاولی، ۱۴۱۳هـ . ق.

۳. طّوسی، محمد بن حسن ، _الامالی_، التحقیق: قسم الدراسات الاسلامیـه مؤسسـه البعثـه، دارالثقافـه، الطبعـه الاولی، ۱۴۱۴ هـ . ق.

۴. طّیالسی، أبی داود، _مسند أبی داود الطّیالسی_، بیروت، دارالحدیث.

۵. عاشور، عبداللطیف، _موسوعـه الطیر والحیوان فی الحدیث النّبوی_، القاهره، مکتبـه القرآن.

۶. عاقولی، علامـۀ محمد بن محمد بن عبدالله، _الرّصف (لما روی عن النبی___ من الفعل والوصف ویلیه شرح الغریب)_، بیروت، مؤسسـه الرسالـۀ، الطبعـه الاولی، ۱۴۱۴هـ . ق / ۱۹۹۴م.

۷. عاملی، حر، _تفصیل وسائل الشیعـه الی تحصیل مسائل الشریعـه_، قم، تحقیق و نشر: مؤسسـه آل البیت لاحیاء التّراث، الطبعـه الثانیـه ۱۴۱۴ هـ . ق.

۸. عاملی، شیخ حسین عبدالصّمد (والد البهائی العاملی)، _وصول الاخیار الی اصول الاخبار_، تحقیق: السید عبداللطیف الکوهکمری، مجمع الذخائر الاسلامیـه.

۹. عبدالرحیم، مروان (إعداد)، _۶۶ وصیـه من وصایا الرسول_، عمان دارالبیارق، الطبعـه الثانیـه، ۱۴۱۹هـ . ق / ۱۹۸۸م.

۱۰. عبدالرزاق، ابی بکر، _مصنّف عبدالرزاق_، التحقیق: حبیب عبدالرحمن العظمی، المجلس العلمی.

۱۱. عبدالله ابن محمد بن عبید بن أبی الدنیا، محمد، _اهمیـه و آداب اللّسان_، التحقیق: أبواسحاق الجوینی، دارالکتاب العربی، الطبعـه الاولی ۱۴۱۰ هـ . ق.

۱۲. عجلونی جراحی، اسماعیل بن محمد، _کشف الخفاء و مُزیل الالباس_، دارالکتب العلمیـه، الطبعـه الثانیـه، ۱۴۰۸هـ . ق.

۱۳. عسقلانی، امام ابن حجر، _فتح الباری شرح صحیح بخاری_، دارالمعرفـه للطّباعـه والنشر، الطبعـه الثانیـه.

۱۴. عسکری، سیدمرتضی، _أحادیث ام المؤمنین عائشـه (أدوار من حیاتها)_، قم، المجمع الاسلامی، الطبعـه الاولی، ۱۴۱۸ هـ . ق.

۱۵. عظیم آبادی، محمد شـمس الحق، ـعون المعبود شـرح سنن ابی داودـ، دارالکتب العلمیـه، الطبعـه الثانیـه ۱۴۱۵هـ . ق.

ص:۶۸

۱. عنـدلیب، حمزه (جمعه و رتّبه)، ـنحن والاولاـد فی مآثر اهل البیتـ ـالنبوهـ، قم, دلیل ما، الطبعـه الاولی ۱۴۲۲هـ . ق / ۱۳۸۰.

۲. غازی، داود بن سـلیمان بن یوسف، ـمسـندالرّضاـ، تحقیق: محمدجواد الحسینی الجلالی، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، الطبعـه الاولی, ۱۴۱۸هـ . ق.

۳. فارسی، عماد الدین علی بن بلبان (محمدبن حبان بن احمد)، ـصـحیح ابن حبّانـ، التحقیق: شـعیب الارناؤوط، مؤسـسـه الرّسالـه، الطبعـه الثانیـه, ۱۴۱۴هـ . ق / ۱۹۹۳م.

۴. فوری، مبارک، ـتحفـه الاحوذی فی شرح الترمذیـ، بیروت, دارالکتب الاسلامیـه، الطبعـه الاولی, ۱۴۱۰ هـ . ق.

۵. قاضـی، محمـد عبـدالحکیم، (جمـع و دراسـه و تحقیـق)، ـاللبـاس والزّیـنـه مـن السـنّـه المطهّرهـ، القـاهره, دارالحدیث،الطبعـه الاولی, ۱۴۰۹ هـ . ق / ۱۹۸۹م.

۶. قزوینی، حسن مرتضـی، ـ ـالرّسول الاکرم مدرسـه الاخلاقـ، بیروت, دارالبیان العربی، الطبعـه الاولی, ۱۴۱۱هـ . ق / ۱۹۹۱م.

۷. قزوینی، محمد بن یزید، ـسنن ابن ماجهـ، التحقیق: محمدفؤادعبدالباقی، بیروت, دارالفکر.

۸. قسـطلانی، شـیخ احمـد بن محمـد، ـالمواهب اللّدُنیـه بالمِنَح المحمـدیـهـ، شـرحه و علّق علیه: مأمون بن محی الـدین الجنّان، طبعـهٔ جدیده کاملـه، بیروت, دارالکتب العلمیـه، الطبعـه الاولی, ۱۴۱۶هـ . ق / ۱۹۹۶م.

۹. قضاعی، محمد بن سـلامـهٔ، ـمسـند الشّهابـ، التحقیق: مجدی عبدالحمید السلفی، بیروت, مؤسسـه الرسالـه، الطبعـه الاولی, ۱۴۰۵هـ . ق, ۱۹۸۵م.

۱۰. قمی، ابن بابویه (والد شیخ صدوق)، ـالامامـه والتبصره من الحیرهـ، التحقیق: مدرسـه الامام المهدی، قم.

۱۱. کلینی، ـالکافیـ، التحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیـهٔ ـ آخوندی.

۱۲. لخمی طّبرانی، سلیمان بن احمد بن أیوب، ـالمعجم الاوسط للطّبرانیـ، التحقیق: ابراهیم الحسینی، دارالحرمین.

۱۳. لخمی طبرانی، سلیمان بن احمد بن أیوب، ـالمعجم الصغیر للطّبرانیـ، دارالکتب العلمیـه، بیروت.

۱۴. لخمی طّبرانی، سـلیمان بن احمـد بن أیوب، ـالمعجم الکبیرـ، التحقیق: حمدی عبدالمجید السـلفی، القاهره, مکتبـه ابن تیمیـه، الطبعـه الثانیـه.

۱. لخمی طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب، ـمسند الشّامیین ـ، التحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، مؤسسـه الرّسالـه، الطبعـه الثانیـه, ۱۴۱۷هـ . ق, ۱۹۹۶م.

۲. لیثی واسطی، علی بن محمد، ـیون الحِکم و المواعظـ، التحقیق: حسین الحسنی البیرجندی، دارالحدیث، الطبعـه الاولی ۱۳۷۶ هـ . ش.

۳. مؤسسـۀ آل البیت لاحیاء التّراث (محقّق)، ـمسائل علی بن جعفرـ، علی بن جعفرالصادق، قم, المؤتمر العالمی للإمام الرضا، الطبعـه الاولی, ۱۴۰۹هـ . ق.

۴. مازندرانی، مولی محمدصالح، ـشرح اصول کافیـ.

۵. متّقی، هندی، ـکنز العمّالـ، التحقیق: الشیخ بکری الحیانی، الشیخ صفوه السقا، بیروت, مؤسسـه الرسالـۀ.

۶. مجلسی، محمدباقر، ـبحارالانوارـ، بیروت, مؤسسـه الوفاء، الطبعـه الثانیـه المصحّحـه ۱۴۰۳هـ . ق / ۱۹۸۳م.

۷. محمود نصّار، ـصفـه طعام و شراب النبیـ، مراجعـه: احمدعبدالتوّاب عوض، القاهره, دارالفضیلـه.

۸. محمودی، شیخ محمدباقر، ـنهج السّعاده فی مستدرک نهج البلاغـهـ، الطبعـه الاولی ۱۳۹۶هـ . ق.

۹. مفید، ـالاختصاصـ، التحقیق: علی اکبر غفاری، قم, جماعـه المدرسین فی الحوزه العلمیـه.

۱۰. مفید، ـاوائل المقالاتـ، التحقیق: ابراهیم الانصاری الزنجانی الخوئینی، بیروت, دارالمفید، الطبعـه الثانیـه، ۱۴۱۴هـ . ق / ۱۹۹۳م.

۱۱. مناوی، محمدعبدالرؤوف، ـفیض القدیرـ، شرح الجامع الصغیر، تحقیق: احمد عبدالسّلام، بیروت, دارالکتب العلمیـه، الطبعـه الاولی ۱۴۱۵هـ . ق.

۱۲. نسائی، احمد بن شعیب، ـسنن النّسائیـ، دارالفکر، الطبعـه الاولی ۱۳۴۸هـ . ق / ۱۹۳۰م.

۱۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ـالغیبـهـ، التحقیق: علی اکبر الغفاری، طهران, مکتبـه الصّدوق.

۱۴. نقاش، محمد بن علی بن عمرو، ـفوائد العراقیینـ، التحقیق: مجدی السّیّد ابراهیم، القاهره, مکتبـه القرآن.

۱۵. نمازی شاهرودی، شیخ علی، ـمستدرک سفینـه البحارـ، تحقیق: الشیخ حسن بن علی النمازی، مؤسسـه النشر الاسلامی لجماعـه المدرسین بقم المشرفـه، الطبعـه, ۱۴۱۹هـ . ق.

۱. نوری طبرسی، _مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل_، مؤسس_ه آل البیت لاحیاء التّراث، الطبع_ه الاولی, ۱۴۰۸ه_ . ق.

۲. نووی دمشقی، أبی ذکریا یحیی بن شرف، _ریاض الصالحین من حدیث سیّد المرسلین_، دارالفکر، الطبع_ه الثانی_ه، ۱۴۱۱ه_ . ق.

۳. نووی، _صحیح المسلم بشرح النووی_، بیروت, دارالکتاب العربی، الطبع_ه الثانی_ه ۱۴۰۷ ه_ . ق.

۴. نیسابوری، ابن الجارود، _المنتقی من السنن المسنده_، التحقیق: عبدالله عمرالبارودی، بیروت, مؤسس_ه الکتاب الثقافی_ه، الطبع_ه الاولی, ۱۴۰۸ه_ . ق / ۱۹۸۸م.

۵. نیسابوری، ابن الجارود، _المنتقی من السنن المسنده_، التحقیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت, مؤسس_ه الکتاب الثقافی_ه، الطبع_ه الاولی ۱۴۰۸ه_ . ق / ۱۹۸۸م.

۶. نیسابوری، محمد بن فتّال، _روض_ه الواعظین_، التحقیق: السیدمحمد مهدی _ السیدحسن الخرسان، قم, منشورات الرّضی.

۷. نیسابوری، مسلم، _صحیح مسلم_، بیروت, دارالفکر.

۸. هیثمی، نورالدین، _مجمع الزوائد و منبع الفوائد_، دارالکتب العلمی_ه، ۱۴۰۸ ه_ . ق / ۱۹۸۸م.

۹. کاشانی، مولی محسن، _المحجّ_ه البیضاء فی تهذیب الاحیاء_، صحّحه و علّق علیه: علی اکبر غفّاری، الجزء الرابع، طهران, مکتب_ه الصّدوق، ۱۳۴۰ه_ . ش.

۱۰. کتانی، محمد بن جعفر، _من هدی الحدیث النّبوی: نظم المتناثر من الحدیث المتواتر_، التحقیق: شرف حجازی، دارالکتب السلفی_ه، الطبع_ه الثانی_ه.

۱۱. کراجکی، ابن الفتح محمد بن علی، _کنزالفوائد_، مکتب_ه المصطفوی، الطبع_ه الثانی_ه, ۱۴۱۰ه_ . ق.

۱۲. کوفی اهوازی، الحسین بن سعید، _المؤمن_، التحقیق: مدرس_ه الامام المهدی بالحوزه العلمی_ه، الناشر: مدرس_ه الامام المهدی بالحوزه العلمی_ه، الطبع_ه الاولی, ۱۴۰۴ه_ . ق.

۱۳. کوفی قاضی، محمد بن سلیمان، _مناقب الامام أمیرالمؤمنین_، التحقیق: الشیخ محمدباقر المحمودی، مجمع الثّقاف_ه الاسلامی_ه، الطبع_ه الاولی, ۱۴۱۲ه_ . ق.

۱. ابن أبی شیب_ه، _المصنّف_، التحقیق: سعیدمحمد اللّحّام، دارالفکر، الطبع_ه الاولی ۱۴۰۹ه_ . ق.

ص:۷۲

۱. ابن أبی شیب_ه، _المصنّف_، التحقیق: سعیدمحمد اللّحّام، دارالفکر، الطبع_ه الاولی ۱۴۰۹ه_ . ق.

ص:۷۳

١. ابن أبی شیبـه، ـالمصنّفـ، التحقیق: سعیدمحمد اللّحّام، دارالفکر، الطبعـه الاولی ١۴٠٩هـ. ق.

ص:٧۴

١. ابن أبی شیبـه، ـالمصنّفـ، التحقیق: سعیدمحمد اللّحّام، دارالفکر، الطبعـه الاولی ۱۴۰۹هـ . ق.

ص:۷۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹